

# همه چیز برای مردم و در خدمت مردم

نامه

# مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۱  
چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۷ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

در صفحات  
بعد

نورالدین کیانوری  
«پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی  
و ضد امپریالیست نباید با  
لیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند  
صفحه ۴

# استقلال

نبايد گذاشت که اربابان و لیبرال‌ها با  
اعمال فشار جلوی کار هیئت ۷ نفری را  
بگیرند  
صفحه ۵

در کارگاه‌های صابون‌پزی چه می‌گذرد  
صفحه ۴

لئونید برژنف:  
سیاست اتحاد شوروی،  
دفاع از صلح و همکاری  
صلح آمیز با دیگر خلقهاست  
صفحه ۸

از زمان آغاز جنگ تجاوزه  
کارانه رژیم دیکتاتوری عراق  
علیه کشور همسایه ما ایران در  
ماه سپتامبر، دانشجویان و خلق  
ما قربانی مصائب و مشکلات  
تاریخی جدیدی شده‌اند که رژیم  
تورپستی حاکم، که سلطه خود  
را به کمک سرریز تحمیل می‌کند،  
بانی آن است.

این جنگ ویرانگر به هیچوجه  
برای دانشجویان و خلق ما غیر-  
مترقیه نبود، زیرا رژیم بغداد از  
زمان آغاز پیروزی انقلاب ایران،  
موضع خصمانه در قبال آن اتخاذ  
کرد. رژیم عراق در توطئه‌های  
نمود برای به شکست کشاندن  
انقلاب ایران از هیچ کوششی،  
زحمه توسل به اقدامات دیوانه-  
اری چون، تقویت گرایشهای  
رقه‌ای، ناسیونالیستی و شورونستی،  
ذیرفتن مزدوران رژیم شاه  
خلوع در خاک عراق، کمک مالی  
تسلحاتی به ضدانقلابیان ایرانی  
فراهم آوردن امکانات تبلیغی  
ای آنها، فرودگذار نکرد. هدف  
مهم این اقدامات سرنگون کردن  
رژیم جدید ایران و به قدرت  
سندن مجدد نیروهای ارتجاعی  
مللتطلب است. همه این  
دانات با مخالفت مداوم توده‌های

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

سخنان امام خمینی، در جمع  
استاداران کشور، تبلور دیگری  
از چهره تمام انسانی امام، عشق  
خنده‌ناپذیر او به مردم، پیوند  
درونی‌اش با توده‌های مستضعف  
و دلسوزیش برای کوشش‌های  
بود. امام خمینی در سخنان خود  
بر ضرورت پیوند میان حکومت و  
مردم تاکید کردند، که جز از  
راه خدمت به مردم میسر نیست.  
امام خمینی در اشاره به رژیم‌های  
ضد خلقی قاجار و پهلوی گفتند:  
«آن چیزهایی که اسباب ضعف  
دولت و جدایی مردم از دولت  
بود، عیارست از کیفیت عمل  
دستگاهها.»

امام خمینی به استاداران  
توصیه کردند که:  
«حکومت از بالا گرفته، از  
رئیس‌جمهور تا پستدار باید در  
خدمت ملت باشد. اگر اینها در  
خدمت ملت نباشند، باز هم  
همان خواهد شد که در زمان  
آنها شد.»

یعنی فقدان اعتماد، پیدایش  
کیفیتی میان حکومت و خلق

و پیامدهای آن.  
امام خمینی به استاداران.  
رهنمود دادند که:  
«بروید در بین مردم، جدا  
نشوید از مردم... هم صلاح خود  
شما، هم صلاح کشور شما و هم  
صلاح ملت است که شما با  
مردم دوست باشید.»

مردم ایران طی نسل‌ها جدا از  
حکومت و در خوف از حکام و  
زمامداران پس برده‌اند. در  
سیاهی‌ها سیر کرده و بارهای  
پرسشگر فقر و محرومیت و  
بیسوادی را بر دوش کشیده‌اند.  
فقط بررسی تاریخ ۵۰ سال اخیر  
کشور ما نشان می‌دهد که حکومت  
خاندان پهلوی، یورش یک کله  
گرگ خونخوار بود که تروت  
ما را به یغما برد، خود خورد و  
به اربابان امپریالیست خود  
خوراند؛ حکومت یک باند دزد و  
غارتگر بود که با شیوه‌های  
استبدادی حکومت، یعنی توسل به  
چماق، فاسلهای وحشتناک میان  
خود و مردم بوجود آورد. این  
خاندان‌ننگ نه‌برای کشورداری،

که برای غارت و سرکوب ما  
آمده بود، و مردم که حکومت را  
چماق استثمارگران خارجی بر  
سر خود میدانستند، همواره در  
مبارزه با این رژیم وابسته ضد  
مردمی را می‌آزمودند.

سرانجام حمله خلق بر پادری  
زمامدار مستبد و دست‌نشانده به  
هدف نشست. انقلاب شکوهمند  
مردم از میان چوبی‌های سرخ  
خون‌شیدان به پیروزی رسید و  
تیم بر لبهای مردم مستکفیده  
شکوفه کرد.

به رهبری امام خمینی، نظام  
جمهوری اسلامی ایران قامت  
پرافتخار، که نظامی خلقی و  
دردآشنا بود، امامت‌ساز استوار  
لیبرالها بر رأس امور، موجب  
آن شد که همه اقدامات ضرور  
در راستای تطور و دگرگونی  
انقلابی و زندگی مردم، به توفیق  
آید. ماهها از حیات گرفتار  
انقلاب به تملک گذشت و کوشش  
بیروان سیاست‌گام به گام در

## دوستی اتحاد شوروی و هند یکی از عوامل مهم حفظ صلح جهان است

کشور، پیوسته برای مناسبات خود  
با اتحاد شوروی اهمیت ویژه  
قائل بوده است.  
آخرین «گزارش سالانه وزارت  
خارجه هند» با اشاره به سفر  
آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه  
اتحاد شوروی به دهلی‌نور، دز  
زمستان سال پیش، تاکید میکند،  
که «گسترش مناسبات میان هند  
و اتحاد شوروی به پیشبرد صلح  
درازمدت تحکیم صلح و ثبات  
منطقه کمک می‌رساند.»

در آستانه سفر لئونید برژنف  
به هند، خانم ایندیرا گاندی،  
نخست‌وزیر آن کشور گفت:  
«دوستی با شوروی برای هند  
یک مسئله اصولی است، و دو  
کشور مصمم هستند این دوستی  
را تحکیم و گسترش بخشند.»

ری همچنین افزود:  
«دوستی اتحاد شوروی و هند  
یکی از عوامل مهم حفظ صلح  
جهان است.»

سیاست خارجی هند در عرصه‌ترین  
مسائل بین‌المللی مربوط به  
صلح و استقلال و آزادی خلقها،  
با سیاست خارجی اتحاد شوروی  
و دیگر کشورهای سوسیالیستی  
منطبق و یا به آن بسیار نزدیک  
است. دولت هند هیچگاه این هم  
راستایی را با هیچ‌یک از سیاست  
اتحاد شوروی و وابستگی به آن  
تلفی نکرده، بلکه، برعکس،  
آنها ضامن موثر پیشبرد سیاست  
فعال عدم تمسب، استقلال‌طلبانه و  
صلح‌خواهانه خود شمرده است.  
نه سال پیش میان هند و اتحاد  
شوروی یک قرارداد صلح، دوستی  
و همکاری انعقاد یافت. در پرتو  
این قرارداد مناسبات همکاری‌های  
میان این دو کشور در همه گستره‌ها  
توسعه پذیرفته است. برای نمونه،  
در سالهای پیش، اتحاد شوروی  
به تاسیس بیش از هفتاد موسسه  
بزرگ صنعتی در رشته‌های  
کلیدی اقتصاد ملی هند پرداخته  
است.  
چنانکه انتظار میرفت، در

آستانه سفر لئونید برژنف به هند  
خبرگزاری‌های امپریالیستی، که  
گسترش مناسبات دوستانه میان  
اتحاد شوروی و هند، پیوسته خاری  
در چشم اربابانشان بوده است،  
کارزار وسیع تبلیغاتی را علیه  
این سفر آغاز کردند. این اخبار  
زهر آگین، که هم‌اکنون از طرف  
تشریفات مائوئیست‌ها و لیبرال‌های  
وطنی هم‌نشخوار میشود و بدبختانه  
برخی از روزنامه‌های طرفدار انقلاب  
را نیز بازدیدگر پدام انداخته  
است، بدون تردید، نه بسود  
توسعه روابط میان ایران و هند  
و نه در جهت گرایش‌های مثبتی  
است که در سیاست خارجی  
استقلال‌طلبانه و ضد امپریالیستی  
جمهوری اسلامی ایران پدیدار  
شده است.

نیروهای هوادار انقلاب قاعدتا  
باید بدانند که کشورهای  
امپریالیستی و ارتجاع جهانی  
همواره کوشش کرده‌اند تا هند  
بقیه در صفحه ۴

## اعلامیه اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق: دانشجویان عراق برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری در عراق می‌رزمند

تنها پرئنه جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتوری عراق علیه ایران، امپریالیست‌ها،  
صهیونیست‌ها و نیروهای ارتجاعی هستند

عراقی و نیروهای مبین‌دوست و  
ترقیخواه عراق، که از انقلاب  
خلق ایران، بویژه مبارزه آن  
با امپریالیسم، بسرگردگی  
امپریالیسم آمریکا، پشتیبانی به  
عمل می‌آوردند. مواجه بود.  
چنگی که آغاز شده هم‌اکنون  
ادامه دارد، ضایعات انسانی و  
اقتصادی فراوانی به بار آورده  
است. حاصل جنگ برای خلق-  
های دو کشور همسایه ایران و  
عراق چیز تلفات و دشواری‌های  
فراوان جز دیگری نیست. تنها  
برنده جنگ امپریالیست‌ها،  
صهیونیست‌ها و نیروهای ارتجاعی  
هستند، زیرا جنگ بطور عمده  
تأمین‌کننده منافع آنها است و  
به اهداف تجاوزکار آنها، از جمله

طرح افزایش تنشجات و تهدید  
صلح و امنیت منطقه و جهان،  
کمک می‌کند.  
اتحادیه عمومی دانشجویان در  
جمهوری عراق، ماجراجویی تجاوز  
نظامی رژیم بغداد را فسل‌نویسی  
از سیاست‌های نابخردانه این رژیم  
انزبایی می‌کند که با منافع خلق  
ما و کل جنبی رهایی‌بخش ملی  
اعراب در مبارزه برای آزادی و  
ترقی اجتماعی مغایر است. به  
عقیده «اتحادیه عمومی دانشجویان  
در جمهوری عراق»، چنگی که  
رژیم بغداد آغاز کرده، به توطئه  
کمپ دیوید کمک می‌کند و آن  
را از انزوا خارج می‌سازد. این  
جنگ همچنین کاملاً با منافع  
خلق عرب فلسطین و امرعلاونه

خیانت کرده است، قاطعانه رد  
می‌کنند. دانشجویان دمکرات  
عراق به خوبی می‌دانند، رژیم‌های  
تا این حد دشمن تمایلات خلق  
است و بقای سلطه آن تنها از  
راه توسل به ترور تأمین می‌شود،  
نمی‌توانند مدافع حقوق ملی باشند.  
دانشجویان و مردم عراق این  
جنگ را کوششی مذبوحانه از  
جانب رژیم بغداد برای بیرون‌رفت  
از بحران داخلی در کشور ازبایی  
می‌کنند. این ماجراجویی همچنین  
نمره جامطلبی‌های دیکتاتوری  
است که می‌خواهد نقش شاه  
سابق ایران را در خلیج فارس  
ایفاء کند.  
هزاران دانشجو و جوان عراقی،  
که از حق تحصیل و اشتغال  
محروم می‌شوند و اجباراً به این  
جنگ احمقانه کشانده می‌شوند،  
قاطعانه جنگ را محکوم می‌کنند.

در دفاع از انقلاب و جمهوری  
اسلامی ایران

## دلاوران انقلاب ضربات جدیدی بر دشمن متجاوز وارد آوردند

دشمن همچنان وحشیانه مناطق مسکونی  
شهرها را بمباران میکند.

نبرد مدافعان انقلاب بر علیه مزدوران  
متجاوز صدام در تمام جبهه‌ها با شدت ادامه  
دارد.

خبرنگار خیرگزاری پارس در اهواز، به  
نقل از یک مقام بلندپایه نظامی گزارش داد:  
دوشنبه، بوسیله دلاوران و رزمندگان  
هوانیروز، تویخانه و یگانهای لشکر اهواز در  
جبهه‌های ملیحان، آب‌تپور، کرخه‌کوره، الله-  
اکبر و پستان، ۴ عراده توپ، ۴ دستکاه خودرو،  
۲ انبار مهمات، ۴ تیربار ضد هوایی و ۲ لودر  
نیروهای دشمن را منهدم و تعدادی از نیروهای  
مزدور کشته و تعدادی زخمی شدند.

همین گزارش حاکیست که تلفات  
نیروهای انقلاب ۳ شهید و ۲ نفر مجروح بوده  
است.

به گزارش دفتر مرکزی خیر از اهواز:  
خلیانان هوانیروز، ساعت ۱۰ صبح دوشنبه،  
مواقع دشمن را در شمال غربی سوسنگرد  
مورد حمله قرار دادند.

بر طبق همین گزارش، رزمندگان ارتش  
جمهوری اسلامی ایران دوشنبه صبح مواضع  
دشمن را در جنوب سعدون‌جمودی، در منطقه  
سوسنگرد زیر آتش شدید تویخانه و خمپاره  
قرار دادند، که موجب تلفات زیادی به دشمن  
شد. نیروهای متجاوز عراقی از ساعت ۱ بعد از  
ظنر دوشنبه شسر سوسنگرد را زیر آتش  
تویخانه خود قرار دادند که منجر به خساراتی  
شد و ۲ تن از عتایر منطقه شهید شدند.  
برادران سپاه پاسداران و ژاندارمری دوشنبه  
صبح در یک یورش پارتیزانی، که بمدت ۵  
ساعت بطول انجامید، توانستند ۱ کامیون و  
چند سترک انفرادی، ۲ جادر مهمات و ۱ توپ  
ضد هوایی دشمن را منهدم و قریب ۱۵۰ نفر  
از قوای صدام‌حسین را به هلاکت رسانند.  
مدافعان انقلاب در جریان این حمله تلفاتی  
نداشتند.

گزارش خبرنگار خیرگزاری پارس از  
جبهه‌های آبادان حاکیست:  
عصر دوشنبه رزمندگان ارتش جمهوری  
اسلامی ایران با آتش تویخانه سنگین، به  
آتش نیروهای دشمن بخصوص در جبهه  
خوین‌شسر، پاسخ گفتند که از تلفات دشمن و  
نیز نیروهای انقلاب آماری در دست نیست.  
به گزارش خیرگزاری پارس شسر آبادان  
روز دوشنبه نیز هدف خمپاره‌های دشمن متجاوز  
قرار داشت که در نتیجه عده‌ای شهید و تعدادی  
مجروح شدند.

همین گزارش حاکیست که رزمندگان  
کمیته‌های انقلاب در قسمت صیبه در یک نبرد  
شدید یک سنگر اجتماعی و یک توپ ۱۰۶  
میلیتری و یک سنگر تیربار دشمنان انقلاب را  
نابود کردند و حداقل ۵ نفر از مزدوران را به  
هلاکت رساندند.

به گزارش خبرنگار خیرگزاری پارس  
دشمنان انقلاب شسر ذرفول را روز دوشنبه زیر  
آتش خمپاره قرار دادند، که در نتیجه یک نفر  
از هم‌میهنان ذرفولی شهید شد.

در جبهه‌های غرب

به گزارش خیرگزاری پارس، بر طبق  
اخباری که از جبهه‌های غرب کشور تا ساعت  
۲۱ دوشنبه رسیده است، در تمام جبهه‌های  
غرب نبرد بین مزدوران متجاوز و نیروهای  
انقلاب ادامه داشت و در جبهه‌های ذهاب و  
قصر شیرین نبرد با آتش تویخانه و سلاحهای  
سنگین و خمپاره‌انداز جریان داشت. در گیلان-  
غرب یک گروه از پاسداران انقلاب و بسیج  
مستضعفین و همچنین بسیج عشایری، تحت  
حمایت تویخانه به عملیات رویاری در خط  
مقدم جبهه ادامه دادند.

گزارش خیرگزاری پارس از جبهه غرب  
حاکیست که بر اثر اصابت گلوله توپ آنتی‌تیر  
جمهوری اسلامی ۲ خودروی حامل سوخت  
دشمن در مسیر جاده گیلانغرب - ۳ راهی  
نفت‌شسر به آتش کشیده شد. نبرد در جبهه‌های  
سومار و ذلفورد به شدت ادامه داشت.  
اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در  
ارتباط با عملیات ۳ روز اخیر (۱۵ و ۱۶ و ۱۷  
آذر) صادر شد. در این اعلامیه از جمله آمده  
است:  
«دیان‌برگفتان پاسدار، که اصالت تکپایی  
و تداوم انقلاب را به بهای شهادت برعهده  
بقیه در صفحه ۴

# بنیابست شکست انقلاب کیلان در آذرماه ۱۳۰۰ تفرقه نیرو و همامو جب شکست انقلاب گیلان شد

در آذرماه سال ۱۳۰۰، یکی از برجسته ترین جنبشهای انقلابی صدامیرالیستی در تاریخ معاصر ایران شکست خورد. غیر از چند قلزم آنکشت شمار (چون سناتور و وزیر جنگ رژیم منور «آریامهری» سپهبد امان الله میرزا جهانبانی و یا نویسنده گان ایرانی و خارجی که به مناسبتی از انقلاب کیلان یاد کرده اند، آنرا ارج نهادماند. ولی صحت برسرچگونگی ارزیابی است. پیشک خصوص آشکار آن ۳۰۲ قلم بدست نسبت به انقلاب کیلان، بازتاب مستقیم موضع گیری طبقاتی آنجاست، که در نظر هواداران جنبشهای رهائی بخش ملی و صدامیرالیستی می تواند فقط افتخاراتکین باشد.

انقلاب کیلان (۱۲۹۶ - ۱۳۰۰) بسرکردگی میرزا کوچک خان «جنگلی» بخش مهمی از سومین دوره (پس از «قیام تنباکو» و انقلاب مشروطیت ایران) اوج جنبش رهائی بخش ملی صدامیرالیستی مردم ایران بود. آتش جنگ چنانسوز امیرالیستی (۱۲۹۳ - ۱۲۹۷)، علی رغم اعلام بیطرفی، سراسر ایران را فراگرفته بود. دو گروه دولت های امیرالیستی «متحدین» و «متفقین» از هر سو کشور را به میدان تاخت و تاز خود مبدل کرده بودند. وضع زندگی توده های مردم زحمتکش درائی جبالو لکری امیرالیستی تاجوزکار طاقت فرساتر شده بود. دولت مرکزی کاملاً آلت دست امیرالیسم و مجری سیاست استعماری آن شده بود، لیکن توده های زحمتکش مستضعف در گوشه و کنار کشور مقاومت میکردند.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه زنجیراسارت امیرالیستی را، که گردن مردم ایران را سخت می نهد، از یکسو پاره کرد. بجای دولت تزاری در روسیه، دولت شوروی بوجود آمد، که هوادار اصولی و پشتیبان جدی استقلال و آزادی خلق ها، جنبشهای رهائی بخش ملی، دیکراتیک و صدامیرالیستی بود. سقوط تزاریسم روسیه، پیروزی نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان و اندیشه های آزادی بخش سوسیالیسم علمی، الهام بخش انقلابیون ایران شد. جنبشهای انقلابی، بویژه در گیلان برهبری میرزا کوچک خان، در آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی، در خراسان برهبری کلنل محمد تقی خان پیمان اوج گرفت.

از قیام مشهور «شیران تنگستانی» در سالهای جنگ اول جهانی در جنوب ایران تا انقلابهای گیلان، آذربایجان و خراسان در شمال، همه از درون مقاومت قهرمانانه خلق رزمنده برخاست، از توده های مردم نیرو میگرفت و هدف مشترکی را دنبال میکرد: نجات از مظالم امیرالیسم جهانخواه و رژیم طاغوتی شاهنشاهی، رهائی از جور و ستم ملی و اجتماعی، تحصیل استقلال و آزادی و رفاه هکنانی. همه این جنبشهای انقلابی دشمن مشترکی داشتند همدست، که همانا امیرالیسم

ورود ارتش توتنیادشوروی در تعقیب نیروهای تاجوزکار انگلیس (که از خاک ایران گذشته به سرکردگی ژنرال دسترویل به پاکو هجوم کرده بودند) به بندر انزلی (اردیبهشت ۱۲۹۹) شرایط مساعدی جهت پیروزی جنبش و اعلام «حکومت جمهوری شوروی» را در گیلان (خرداد ۱۲۹۹) فراهم کرد. بعد از این پیروزی، یعنی رهائی موقتی از چنگال تاجوز نظامی امیرالیسم انگلیس (فرار ارتش دسترویل از ایران) و اخراج دستنشانده گان عمده ایرانی آن از گیلان، ظاهراً مقصد مشترک همه نیروهای چهارگانه فوق بدست آمده بود. اما در باطن، دشمن مشترک آزادی نداشتند و توطئه نفوذ در صفوف نیروهای دیکراتیک و ایجاد تفرقه و نفاق را طرح ریزی کرد. ناهمگونی ساختار اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و اندیشه ای گروه ها، زمینه مناسب برای این توطئه خصم شد. تاریخ نویسانی که بر رویدادهای جزئی بیشتر از قانونندیهای تکامل تاریخی جامعه توجه دارند، بقدر کافی خیانت عمال ارتجاع و امیرالیسم چون میرزا بوطالب ها، رحیم «شیشه بر» ها، سیدجلال چینی ها، شیخ محمد فومی ها، حاجی احمد کسبانی ها، و دیگران را افشا کرده اند. اینگونه عناصر بودند که بسا استفاده از فرصت، آتش تفرقه و نفاق بین گروه های فعال نبضت را دامن زدند و تدریجاً کار را بجائی رساندند که در عرض مدت یکسال و نیم، ۳ مرتبه حکومت انقلابی در گیلان تغییر کرد. میرزا کوچک خان حتی به مصلحت اندیشی شخصیتی چون سید حسن مدرس گوش فرانکرد و با کمال تاسف بالاخره در دام نفاقانگن افتاد. وحدت به تفرقه و نفاق، همکاری به کارشکنی و بالاخره دوستی به خصومت و دشمنی تبدیل شد. ابتدا یکی از پایه گذاران سوسیال دیکراتیک انقلابی (در دوره انقلاب مشروطیت) و بانیان حزب کمونیست ایران (در تیرماه ۱۲۹۹) حیدرخان عسوافولی بدست مفسدین و چنانیکاران بقتل رسیدند (۱)، سپس کوچک خان در حال گریز از چنگال نیروهای اعزامی از تهران تلف شد، احسان الله خان فراری و خالوقربان تسلیم ارتجاع ایران شد.

و طبقه استثمارگر حاکم و مستکبر بود. برنامه ای که به «جنگلیها» منسوب است و اهداف مشخص نهضت را معین کرده است، با این مقدمه کوتاه آغاز میشود: «آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقیقی و تساوی افراد انسانی بدون فرق نژاد و مذهب در اصول زندگانی، و حاکمیت اکثریت بوسیله منتخبین ملت، یعنی صرفت این مقاصد را فرقه «اجتماعیون» پیوارد ذیل تعقیب مینمایند». و سپس فصول ۹ گانه برنامه آمده است، که روح دیکراتیک و خلقی آنرا بخوبی نمکس میکنند. اسنادیکه از جنبشهای انقلابی و صدامیرالیستی آذربایجان و خراسان در دست است، درعین اینکه بازتاب ویژگیهای هر جنبش است، تعقیب مقاصد نظیر و مشترک را از جنبه همه این نهضت ها بخوبی نشان میدهد. این اسناد، که اغلب منتشر شده اند، به نحوی انگارناپذیر نشان میدهد که «اجتماعیون» و «اجتماعیون عامیون» (هواداران سوسیالیسم علمی در ایران) نقش فعالی در همه این نهضت ها داشته اند. همین اسناد حاکی از آنست که روحانیت متعبد و مبارز در رهبری این انقلابها (بویژه در گیلان و آذربایجان و در راس جنبش) قرار داشته اند. پیروزی انقلاب گیلان پیش از هر چیز مرهون اتحاد همه نیروهای اجتماعی بود که بطور عمده در چهار گروه جمع شده بودند: ۱- «جنگلیها» بسرکردگی میرزا کوچک خان، که از تپیدستان و خرده بورژوازی شهر و ده تا بازرگانان و مالکان تشکیل میشد، ۲- سوسیال دیکراتیک انقلابی ایران (اجتماعیون عامیون «صدائت») که بیشتر به زحمتکشان، کارگران و پیشه وران شهر و ده متکی بودند، ۳- روشنفکران مرفه و انقلابی برهبری احسان الله خان، ۴- کشاورزان مزدور به رهبری خالوقربان.

علل عمده شکست انقلاب کیلان را میتوان بشرح زیرین خلاصه کرد: ۱- شرکت موثر در رهبری نیروهای محرکه انقلاب با نسانده گان طبقات و اقتدار خرده بورژوازی شهر و روستا، بازرگانان و مالکان لیبرال و روشنفکران دیکراتیک منس بود. که اکثریت قاطع این نیروها، برحسب ماهیت اجتماعی خود، فاقد طبیعت انقلابی، متایل به سازشکاری، ساسمه و ممانعت بودند. ۲- طبقه کارگر توریس ایران از لحاظ کمی و کیفی، تمرکز سازمانی و آگاهی طبقاتی، از حیث جهان بینی علمی انقلابی هنوز بصورت آن نیروی اجتماعی مقتدری در نیامده بود صدامیرالیستی بتواند نقش تعیین کننده ایفا کند. ۳- ارتباط سازمانی موثر و هماهنگی عملی بین بخش های مهم این دوره از اوج جنبش رهائی بخش، یعنی بین انقلاب گیلان، انقلاب آذربایجان و انقلاب خراسان وجود نداشت. کوشش های پراکنده و جزئی که بطور عمده از جانب هواداران سوسیالیسم علمی صورت میگرفت، بعلت کمی عمق اجتماعی و تاریخی، نتوانست مترس افتد و اغلب در نطفه خنثی میشد. ۴- دشمن متحد، امیرالیسم انگلیس و رژیم طاغوتی شاهنشاهی، همه نیروهای مادی و معنوی خود را در ایران، از سیاسی گرفته تا نظامی، از سازمانی گرفته تا ایدئولوژیک، علیه جنبش انقلابی تمرکز کرد. همه این عوامل بصورت تفرقه و نفاق بین نیروهای انقلابی بروز کرد و سبب شکست نبضت شد. امروز نیز انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی، که در کار تحقیق اهداف صدامیرالیستی و خلقی جنبش انقلابی قرن اخیر تاریخ کشور است، در مقابل چنین خطری قرار دارد. هشیار باشیم تا بدام تحریف تاریخ نبضت، زیرا سعی در گذاشتن تاریخ گذشته در خدمت نیت و نظرات ضد انقلابی، غیرانقلابی و سازشکارانه، یکی از شیوه های تحریف تاریخ است.

(۱) مولف کتاب «سردار رنگل» ایرامیه فرخانی که به دیگر مورخین (در باره ارتباط میرزا کوچک خان با نظامیان آلمانی و ترکهای متجاوز عثمانی) اعتراض کرده است (چاپ نهم، صفحات ۲۶-۲۷) خود در صفحات دیگر همین کتاب (۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۱۷ و غیره) بویژه در شرح جریان حمله به ملاسرا (محل ملاقات اعضای کمیته انقلاب) و کشته شدن حیدرخان و بعضی دیگر از اعضای کمیته از مفسده چوینی و چنانیکاری افسر آلمانی گائوک (که تا آخرین لحظات به همراه میرزا کوچک خان و دست راست او بود) پرده برداشته است (ص ۳۶۸) و وجود این ارتباط بسیار نزدیک را نشان داده است.

## در راه پیمائی سالروز ۵۷ آذر خونین ۵۷ در گران:

### مردم قهرمان گران برای ادامه مبارزه با دشمن پیمان بستند



هزاران نفر از مردم گران در یک راه پیمائی باشکوه در دومین سالگشت روزی که دژخیمان شام آمریکا تظاهرات آرام مردم این شهر را بخون کشیدند، خشم و نفرت خود را نشان امیرالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا کردند و در صفوف پهنشده، وحدت خود را برای ادامه انقلاب اعلام داشتند. روز ۵ آذر ۱۳۵۷، در اوج انقلاب باشکوه مردم ایران، مردم گران دست به یک راه پیمائی آرام زدند، تا همبستگی خود را با خواهران و برادران خود در سراسر ایران نشان دهند و خشم و نفرت خود را علیه رژیم شاه ابراز دارند. در این روز دژخیمان شاه تظاهرات آرام مردم را بخون کشیدند. در دومین سالگشت این روز، هزاران نفر از کارگران، کشاورزان، فرهنگیان و دیگر اقشار مردم دست به راه پیمائی زدند، مردم، که در صفوف خود دوشبید جنگ تحمیلی را هم تشییع میکردند، شعار می دادند: خوزستان، خوزستان، خوزستان، بردشمنان گورستان در دست مردم پلاکاردهائی دیده میشد، که روی آنها نوشته شده بود: ۵ آذر، یکی از سندهای وفاداری خود را به رهبري ظلم جهانی، بسرکردگی آمریکا در عزای شهدای همیشه زنده شهر، مارش عزای نواخته شد و در میان خشم و خروش مردم جنازه دوشبید به خاک سپرده شد. در پایان مراسم، قلمنامه ای قرائت شد که طی آن، مردم گران وفاداری خود را به رهبري انقلاب و حمایت خود را از مجلس شورای اسلامی و روحانیت مبارز اعلام داشته و خواهان ادامه جنگ با متجاوزین صدامی شده بودند. در این قلمنامه مردم گران از حمایت کشورهای انقلابی مسلمان سوریه، لیبی و الجزایر در جنگ ایران علیه امیرالیسم آمریکا تشکر کردند و هرگونه احتکار و گرانفروشی را طرد نمودند.

## مائوئیستهای امریکائی «رنجبر» به جنازه رفیق شهید حجت ذوالفقاری حمله کردند

حزب تسوده ایران از سپاه پاسداران شیراز میخواهد که با ضد انقلابیون «رنجبری»، که دستگیر شده اند، قاطعانه رفتار شود.

شهادت مائوئیستی که در گروهک امریکائی - چینی «رنجبران» لانه کرده اند، چنانکه شیوه مائوئیست ها، این چماقداران امیرالیسم آمریکا و قداره بندان پکن است، هنگام تشییع جنازه رفیق شهید، توده های قهرمان حجت ذوالفقاری، که در جبهه نبرد جان خویش را نثار انقلاب کرده است، به جنازه شهید حمله کردند و کوشیدند مراسم را بهم بزنند و آشوب بیاکنند. در این حمله ۶ نفر از رفقای حزبی ما و چند نفر از مردم، که در مراسم شرکت داشتند، زخمی شدند. براساس اخبار رسیده از شیراز، صبح روز جمعه ۹ آبان ۵۹، با موافقت بنیاد شهید شیراز، قرار بود پیکر گلگون رفیق حجت ذوالفقاری و ۶ شهید سرباز از شاهچراغ شیراز تشییع شود، همانطور که در شماره ۳۲۶ نامه «مردم» (یکشنبه ۵ آذر ۵۹) گزارش این مراسم چاپ شد، گروه کثیری از مردم برای تشییع جنازه شهید آمدند. قبل از مراسم، اعلامیه تحریک آمیزی از طرف گروهک امریکائی - چینی «رنجبران» در بین مردم پخش شد، تا شاید مانع تشییع جنازه رفیق شهید شود. اما این تلاش تنگین ثمری نبخشیدر توده های خلق شهدا را بر نشانه خود به گورستان بردند. هنگامیکه جنازه شهید به گورستان رسید، «رنجبرها» خود را به تاپوت رفیق شهید رساندند و آن را بجای غسلخانه به طرف گور بردند. در همین موقع چند «رنجبری» دیگر با فریاد می گفتند: «مردم» توده های جنازه را بردند، تا شهید اسلام را بدون غسل و نماز میت دفن کنند. رفقای ما، با کمک برگزارکنندگان مراسم، این توطئه را افشاء کردند و جنازه رفیق شهید را به غسلخانه بردند. در سان غسلخانه، جوانکی کیسولند از «رنجبری» ها شروع به فریاد زد: «مردم» توده های ما در این مراسم شرکت دارند، مگر شاهد نبودید که شعارهای ضد امریکائی می دادند!

## حمله عناصر ضد انقلاب به کیوسک نشریات حزب توده ایران در مرودشت

پدنیال حمله عمده ای از عناصر ضد انقلاب در هفت آبانماه ۵۹ به کیوسک نشریات حزب توده ایران در مرودشت، حزب توده ایران - سازمان مرودشت با ارسال نامه ای به روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهر، خواستار رسیدگی به این امر و دستگیری عوامل ضد انقلاب شد. در این نامه ضمن تشریح حادثه آمده است: «شب گذشته (یکشنبه ۷ آبان) عمده ای از عناصر ضد انقلاب، با استفاده از تازیکی شب، کیوسک نشریات حزب توده ایران در خیابان فرهنگ را به آتش کشیدند و متواری شدند. باینکه هنوز اشخاص نامبرده را به اسم و آدرس نمی شناسیم، واضح است

## دلاوران انقلاب...

پس برهرداری کامل بعمل می-آورند. درست در آستانه سفر لئوئید برژنف، در هند اعلام شد که ماموران امنیتی آن کشور یک جاسوس پاکستانی را دستگیر کرده اند. وی یکی از صدها جاسوسی است که دولت دست-نشانده ضیاءالحق برای خرابکاری

## دوستی اتحاد...

پس برهرداری کامل بعمل می-آورند. درست در آستانه سفر لئوئید برژنف، در هند اعلام شد که ماموران امنیتی آن کشور یک جاسوس پاکستانی را دستگیر کرده اند. وی یکی از صدها جاسوسی است که دولت دست-نشانده ضیاءالحق برای خرابکاری

## دوستی اتحاد...

پس برهرداری کامل بعمل می-آورند. درست در آستانه سفر لئوئید برژنف، در هند اعلام شد که ماموران امنیتی آن کشور یک جاسوس پاکستانی را دستگیر کرده اند. وی یکی از صدها جاسوسی است که دولت دست-نشانده ضیاءالحق برای خرابکاری

## در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

## در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم



نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

# شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نباید بالیرال‌ها در یک صف قرار گیرند

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه مطرح کردند، پاسخ گفت.  
بخشی از این «پرسش و پاسخ» در این شماره درج می‌شود.

س: برخی از شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نظیر رضا اصفهانی و گلزاده غفوری اخیراً ضمن مخالفت با زیاددرویی‌ها، عملاً در این مرحله در موضع لیبرال‌ها قرار گرفته‌اند. حزب برای آن‌که در این شخصیت‌های مترقی و نه تنها این شخصیت‌ها، بلکه همچنین سازمان مجاهدین را که در چنین موضعی قرار گرفته است، از صفوف لیبرال‌ها جدا کند، چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

ج: این سؤال دو قسمت دارد. یک قسمت این است که چرا برخی از شخصیت‌هایی که از لحاظ موضع گیری اجتماعی واقعا بالیرال‌ها نیستند در درجه اول برای تأمین «آزادی»، با آن‌ها در یک جبهه مشترک قرار گرفته‌اند، و قسمت دیگر این است که نیروهای مترقی جامعه، نیروهای هوادار انقلاب چه اقداماتی باید انجام دهند تا آن‌ها از نیروهایی که واقعا مخالف انقلاب هستند و هدف‌های دیگری دارند، جدا شوند.

برای آن‌که بتوانیم هم به قسمت اول و هم به قسمت دوم این سؤال بهتر پاسخ دهیم، باز باید برگردیم به همان مسأله‌ای که در پاسخ‌های قبلی تشریح کرده‌ایم یعنی به ماهیت وسیعی که از چندین پیش زیر شعار تأمین «آزادی» به فعالیت داشته‌اند. همان‌طور که بارها در «نامه مردم» و در گفتارهای قبلی متذکر شده‌ایم، به نظر ما میان این دو بخش از لحاظ ماهوی به هیچ وجه همگونی وجود ندارد. در طیفی که این روزها مشغول فعالیت داشته‌اند شده است، ما از یک سو عناصر مشخص و شناخته شده‌ای را می‌بینیم که مثل همیشه می‌کوشند با ایجاد وضع بحرانی، آب را گل‌آلود کنند و به نفع خود از آن ماهی بگیرند و از سوی دیگر شخصیت‌های انقلابی مورد احترامی را مشاهده می‌کنیم که به طور بی‌گنجه علیه رژیم استبداد و امپریالیسم مبارزه کرده‌اند و هنوز هم تا آنجا که ما از آن‌ها اطلاع و شناخت داریم، در مواضع ضد امپریالیستی و خلقی، در مواضع اصیل خط امام قرار دارند و مع الوصف با این طیف هم‌صدا شده‌اند. در این دو جهت نیروهایی قرار دارند که اگر هم تا بریزور هر دو خود را پیرو خط امام اعلام می‌کردند، اما در عمل با هم مخالفت‌های اصولی داشتند و به شدت علیه یکدیگر می‌جنگیدند. بد نیست ما به اظهارات آقای سید حسین خمینی که روز ۱۳ آذر ۱۳۵۹ در روزنامه «اطلاعات» افشاکری فوق العاده با اهمیت و با ارزشی کرده است توجهی بکنیم و ببینیم چطور در این طیف ناممکن عناصری جمع شده‌اند که تا مدتی پیش هر یک دیگری را به شدت نفی می‌کرد. من به چند جمله از گفته‌های آقای سید حسین خمینی اشاره می‌کنم. اول نتیجه‌گیری او را می‌خوانم که از همه بهتر است. او می‌گوید دشمن امروز امام را هدف قرار داده است. یعنی نتیجه‌گیری آقای سید حسین خمینی این است که تمام کسانی که این سرودها را به راه‌انداخته‌اند، اعم از آن‌ها که دانسته و آگاهانه وارد عمل شده‌اند یا آن‌ها که ناآگاهانه در دام افتاده‌اند، همه در یک جهت علیه خط امام عمل می‌کنند. و اما در اثبات این نتیجه‌گیری، ما قبلاً چنین مطالبی را می‌خوانیم:

«چه شد که آقای قطب‌زاده که با آقای بنی‌صدر مخالف بود خود را یک مرتبه جزو هواداران ایشان قرار داد... چه شد که آقای بنی‌صدر وقتی رئیس جمهور شد، آقای قطب زاده جلوی من به عموم گفت بزرگترین فاجعه تاریخ رخ داد و امروز رئیس جمهور عزیز شده است... چه شد که آقای قطب‌زاده‌ای که می‌گفت آقای بنی‌صدر گذرنامه و با برگسیز از آمریکا گرفته است یعنی از قرار می‌گویی این یک نوع تعهدی است که به آمریکا خیانت نکند و این را دلیل می‌گرفت که او به امام نزدیک نشود، ناگهان یار و یاور همدیگر شدند... چه شد که آقای بازرگانی که در پاریس آمده بود، چون امام فرمودند موضع را در مقابل رژیم مشخص کن یعنی بگو رژیم شاهنشاهی را قبول نداری، آن وقت بی‌پیش من، آقای بازرگان قبول نکرد و امام هم او را راه نداد و برگشت ایران... آقای قطب زاده که مخالف آقای بازرگان بود و می‌گفت این همیشه عقبت از مردم است و من آقای قطب‌زاده را در مقابل خانه امام در پاریس گرفتم و گفتم چه شد که شما برای آقای عزت‌الله سبحانی و آیت‌الله طالقانی نام نوشتید، نه برای آقای بازرگان، گفت این پیرمرد خرفت شده است و... یک مرتبه آقای بازرگان بدون آقای قطب‌زاده، عزیزش آب از گلویش بیاید نرفت. چه شد که آقای علی‌اصغر حاج سید جوادی یک مرتبه یارین آمد قانون اساسی شاهنشاهی هم محتوایش خوب است و کار دانشجویان بیرو خط امام بزرگترین خیانت است.»

(رجوع شود به «اطلاعات» ۱۳ آذر ۱۳۵۹، صفحه ۱۱).

خوب این جا سؤالات بسیار جالبی مطرح شده است. ما به محتوای اساسی این سؤالات در مقالات «نامه مردم» و در جلسات «پرسش و پاسخ» به تفصیل پاسخ داده و ریشه‌های واقعی را روشن کرده‌ایم. ما چقدر تحلیلی و پلنوم کمیته مرکزی و چه اندازه آن به طور روشن گفته‌ایم که در جریان انقلاب، در آن مرحله‌ای که سمت اصلی انقلاب، علیه استبداد و اوردار دست‌های متوجه بود، نیروهای گوناگونی از لحاظ طبقاتی و اجتماعی در این مبارزه شرکت کردند، ولی هر کدام از این‌ها هدف‌های مشخص طبقاتی خودشان را داشتند. بورژوازی لیبرالی که در رژیم سابق تحت فشار بورژوازی بزرگ و دارودسته خانوادگی پهلوی قرار داشت و استبداد پهلوی مانع رشد سریع و بی‌درسرش بود، با آن استبداد مخالفت می‌کرد و خواست خودش آقای جامعه باشد. این بورژوازی میل نداشت که بیست و چند میلیارد دلار درآمد نفت، فقط به جیب خاندان پهلوی و یک گروه پانصد نفری از نزدیکان آن‌ها برود، بلکه می‌خواست که خودش هم از این نفع کلاهی داشته باشد. امام در یکی از گفتارهای اخیرش که بعد از این تحریکات تم و بازار تهران انجام گرفته، تقریباً صریح گفت که آن‌ها با این انقلاب اصلاً مخالف بودند و حتی کم مانده بود که آسامی آن‌ها را هم ذکر کند. البته آسامی آن‌ها مشخص است. این‌ها همان لیبرال‌ها هستند که بعد از انقلاب کوشیدند انقلاب را در چارچوب تنگ منافع خودشان محصور نگه دارند.

حالا این‌ها در طیف یاد شده قرار گرفته‌اند. از این‌ها که بگذریم عناصر گوناگون دیگری در این طیف دیده می‌شوند که به علل گوناگون ناراضی هستند: برخی‌ها روی عقده‌ها، برخی‌ها هم واقعا روی ناراحتی از زیاددرویی‌ها و نابسامانی‌هایی که در دستگاه اداره‌کننده واقعی انقلاب وجود دارد. ولی به نظر ما افراد اخیر، چه گروه باشند و چه افراد جداگانه، در این مرحله دچار یک اشتباه جدی هستند و آن اشتباه این است که با وجود داشتن نیت خوب و هدف‌های درست، اجازه داده‌اند که نیروهای ناسالم از آن‌ها استفاده کنند. و حال آن‌که به نظر ما افراد و شخصیت‌هایی که در جامعه مورد احترام هستند، نباید به نیروهای وابسته به ضد انقلاب، به نیروهای وابسته به لیبرال‌ها اجازه می‌دادند که با استفاده از حرمت آن‌ها چهره لیبرال و ماهیت سرمایه‌داری خود را بی‌پوشانند.

من در یکی از گفتارهای قبلی، به نام حزب‌مان، به این شخصیت‌ها و سازمان‌ها و از جمله سازمان مجاهدین خلق، که ما آن‌ها را جزو نیروهای سالم جامعه می‌دانیم، توصیه کردیم که با آن‌ها که برخی مسائل طرح شده از سوی شما درست و نمایانگر کمبودهایی است که در جامعه انقلابی ما، یک

قسمت به علل عینی ناشی از شرایط انقلاب و یک‌قسمت هم به سبب زیاددرویی‌ها و شیوه‌ها و روش‌های نادرست و ناسالم افراد مختلف در دستگاه حاکمه، به وجود آمده است، مع الوصف برای آن‌که بانگ اعتراض شما برای رفع این کمبودها و معایب، بتواند موثر واقع شود، شما پیش از هر چیز باید حساب خود را از حساب لیبرال‌ها، از حساب کسانی که با این انقلاب و با محتوایی که الان پیدا می‌کند، به کلی مخالفند، سوا کنید. شما اول باید حساب خود را با همه آن نیروهایی که به شیوه‌های «رادپوی بخنداد»، «صدای آمریکا»، «بختیار و اویسی» و عوامل آن‌ها، از نبودن «آزادی» در ایران و از «فاشسیم آخوندی» و مهملاتی از این دست، دم می‌زنند سوا کنید و واقعا نشان دهید که آنچه آن‌ها می‌گویند دورویی، تقلب و تزویر است و آن چه که شما می‌گویید هدفش واقعا رفع نواقص و کمبودها برای تقویت انقلاب است.

این شرط اول است و اگر این کار انجام نگردد، نیروهای دشمن انقلاب مسلماً از موضع گیری‌های شخصیت‌ها و نیروهای یاد شده سوءاستفاده خواهند کرد و این به زیان انقلاب و مایه نهایت تأسف خواهد بود.  
س: آیا این اطلاع صحیح است که سازمان مجاهدین خلق تا حدی به اشتباهات خودی برده‌اند و می‌خواهند حساب خود را از حساب لیبرال‌ها جدا کنند؟

ج: اگر چنین گامی از طرف سازمان مجاهدین خلق برداشته شود، شاید بتوان گفت که مهم‌ترین گام مثبتی است که برای جدا کردن خود از جبهه نیروهای مخالف انقلاب برداشته اند و آن را باید به فال نیک گرفت. ولی البته این فقط یک فرض است و ما هیچ‌گونه اطلاعی برای تأیید چنین واقعتی نداریم و فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که این فرض واقعتی پیدا کند. ولی ببینیم که اصلاً بحث بر سر چیست؟ قبل از این که به این مطلب بپردازیم، می‌خواهم یک نکته مهم اشاره کنم و آن این است که رادپوی‌ها

## ۱- ضرورت جدا سازی شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست از صفوف لیبرال‌ها ۲- آیا سازمان مجاهدین خلق نمی‌خواهد حساب خود را از حساب لیبرال‌ها جدا کند

ارتجاعی دشمن ایران و نیز روزنامه لیبرال «میزان» و برخی روزنامه‌های دیگر و از آن جمله «انقلاب اسلامی»، به بهانه‌های گوناگون به ما حمله می‌کنند و بدترین اتهام‌ها را به ما می‌زنند. برخی از آن‌ها حتی دعوی کرده‌اند که «در تدارک کودتا» هستیم اما بارها گفته‌ایم که این اتهامات را «تهران‌مصور» و «شاهد» و سایر عمال آمریکا هم تا قبل از ۲۸ مرداد به ما می‌زدند. آن‌ها درست در همان زمانی که کودتای ۲۸ مرداد تدارک دیده می‌شد، حزب توده ایران را متهم می‌کردند که برای کودتا، تدارک می‌بیند. حالا هم نظیر آن جریان دارد تدارک تکرار می‌شود و بعضی‌ها می‌گویند که حزب توده ایران دارد برای کودتا تدارک می‌بیند. از این‌ها که بگذریم بعضی‌ها هم دعوی دارند که حزب توده ایران «القاء ایدئولوژی» می‌کند، یعنی اندیشه‌ها و نظریات خود را با یک نوع «قدرت سحرآمیز» در مغز روحانیت می‌گذارد و گویان ما هم بدون اراده «الذست» قرار می‌گیرند. بعضی دیگر به ما متهم می‌زنند که گویا می‌خواهیم «تحریک کنیم» و با افشاکری‌های خود میان نیروهای مسلمان شکاف بیندازیم.

ولی افراد آگاه و با تا حدی آگاه از سیاست، خیلی زود می‌توانند ببینند که این سرودها و این حرف‌ها از کجا آب می‌خورد. حقیقت مطلب این است که قیل و قال کنندگان، همه از سیاست حزب توده ایران در زمینه مبارزه قاطع و بی‌گنجه علیه امپریالیسم، افشای توطئه‌های لیبرال‌ها ناراضی هستند و این عدم رضایت غالباً به صورت دیوانه‌وار، به صورت فحش و دشنام و سخنان هز، بروز می‌کند. اگر بعضی از مقالات یا متن گفته‌های مافوقیست‌ها را، از روزنامه «رنجبر» گرفته تا مافوقیست‌های تازه مسلمانی که در خدمت بعضی از شخصیت‌های اجتماعی هستند، بخوانیم، می‌بینیم که این اواخر کارشان واقعا به زوزه کشیدن رسیده است. آنها دیگر جز فحش و دشنام چیزی در چینه ندارند که تکرار کنند و ما هم به آن‌ها فقط با یوزخند تسخیر می‌پاشیم.

و اما ببینیم واقعا بحث بر سر چیست؟ آیا این‌ها واقعا دلشان برای «آزادی» می‌سوزد؟ اگر دعوی بر سر این است، پس چرا این آقایان که در فراق «آزادی» چنین زار می‌زنند، در مورد بسیاری از آزادی‌ها که در نتیجه فعالیت بورژوازی لیبرال، فوئدال‌ها و تمام وابستگان به رژیم گذشته، هنوز در کشور ما وجود ندارد، مهر سکوت بر لب زده‌اند و کوچک‌ترین صدایی از آنها به گوش نمی‌رسد؟ در این زمینه وقتی من سرفاله «اطلاعات» دیروز - ۱۵ آذر ماه را خواندم، به نویسنده آن آفرین گفتم. واقعا خیلی منطقی بود. از این طرفداران به اصطلاح آزادی - آزادی لیبرالی - بر سریده بود که آقایان شما چرا در باره آزادی مردم محروم کشور ما که از همه حقوق اقتصادی محروم هستند، و در باره آن اصول قانون اساسی که در جهت تأمین منافع این محرومان جامعه، در جهت برانداختن استثمار و کتک کردن دست غارتگران دلال و تاجران بزرگ و غیره و غیره است، هیچ سخنی نمی‌گویید؟ مافوقیست‌ها هم ندیدیم که در «میزان» علیه غارتگری‌کنانی که در این یکسال اخیر هر کدام صدها میلیون از تجارت‌خانه‌ها سود برده‌اند - و این غارتگری بزرگ‌ترین جنایت علیه انقلاب ایران است، - کلمه‌ای صحبت شده باشد. آیا شما «آزادی» را فقط برای این کارها می‌خواهید؟

کسانی که به دردهای اساسی جامعه اعتنا ندارند، می‌خواهند با کلی‌گویی مسائل را لو ت کنند. اکثریت قریب به تمام مردم ایران که انقلاب کرده‌اند، می‌خواهند حدود مالکیت شرعی را معین کنند. ولی اگر مثلاً آقای کرپاسی در بازار حق داشته باشد طی ده سال تجارت دو میلیارد پول جمع کند، کجای این «شروع» است؟ مگر امام خمینی بارها نگفته است که بازار ما هنوز هم بازار طاغوتی است؟ مفهوم این سخن البته این نیست که افراد هر شب عین شاه را جلوی خود می‌گذاردند و آن تعظیم می‌کنند. طاغوتی است، یعنی این که همان غارتگری دوران طاغوت ادامه دارد و از همان شیوه‌های سابق در غارت می‌بیند و بار هستی مردم استفاده می‌کند. کالا

را به قیمت صد تومان می‌خرند و چندین برابر آن به مردم می‌فروشند امروز فریاد تمام جامعه ما از احتکار بلند است. کی این احتکار را می‌کند؟ آن پیرزنی که چند سیر نخود و لیه می‌خرد یا آن تاجر بازاری که صد هاست قند و شکر و روغن نباتی و غیره در انبارهای خودش پنهان می‌کند و با دست‌های مخفی در بازار سیاه به قیمت سه برابر و چهار برابر می‌فروشد؟ پس چرا این آقایان در مقابل این پدیده‌ها به کلی ساکت هستند؟ برای آن که این‌ها واقعا آزادند، هنوز دست به ترکیب آزادی آن‌ها نخورده و آزادی احتکار وجود دارد. به همین جهت است که روزنامه «میزان» اصلاً در این باره صحبت نمی‌کند و در این زمینه حتی آزادی بیشتر از این هم نمی‌خواهد، این زمین «میزان» هیچ دغدغه‌ای ندارد فقط می‌خواهد که این آزادی را برای گرانفروشان، غارتگران، سرمایه‌داران وابسته هست، برای نمایندگان مطبوعاتی آن‌ها هم تعمیم پیدا کند و «میزان» و امثال «میزان» آن‌ها که بنا بود در بیابند و نیامدند، هر چه دلشان خواست بنویسند و نقشه‌ها و نیات خود را برای ترمز کردن انقلاب و آماده ساختن راه سازش با امپریالیسم از پیش ببرند. مثلاً من یک نمونه از نوشته آقای مهندس سبحانی، یکی از نمایندگان میز لیبرال‌ها، وزیر کابینه آقای بازرگان و نماینده مجلس را که در روزنامه «میزان» امروز ۱۶ آذر ۱۳۵۹ منتشر شده است، ذکر می‌کنم.

این آقای مهندس سبحانی، مثل سایر لیبرال‌ها در باره سیاست خارجی ایران شرح مفصلی نوشته است. قسمت اول این شرح مربوط به مناسبات با کشورهای «دنیای سوم» و کشورهای سوسیالیستی و سپس مناسبات با اتحاد شوروی است که ما وارد این بحث نمی‌شویم. در عین حال که اصولاً معیوب و در جهت همان سیاست مشخص لیبرالی است. ولی قسمت آخر این بحث خیلی جالب است. این قسمت به مناسبات با آمریکا مربوط می‌شود، ولی برخلاف قسمت اول در آن حتی یک کلمه در این باره پیدا نمی‌شود که سیاست آمریکا، دشمنی با انقلاب ایران است. آقای مهندس سبحانی در این قسمت آنقدر احتیاط به خرج داده که فقط گفته است دولت آمریکا، انقلاب ایران را «دوست ندارد». در صورتی که تمام مقامات تعیین‌کننده سیاست ایران، از امام گرفته تا رئیس جمهور، رئیس مجلس و تمام نهادهای واقعی انقلابی همیشه می‌گویند که آمریکا دشمن اصلی ما است. ما در درجه اول با آمریکا

در جنگ هستیم، زیرا صدام را آمریکا علیه ایران به کار انداخته است. ما با آمریکا در جنگ نظامی، اقتصادی و سیاسی هستیم، آمریکا ما را محاصره اقتصادی کرده، می‌خواهد ما را خفه کند، پول‌های ما را گرفته، ارز ما را توقیف کرده، همه این کارها را کرده است، ولی آقای مهندس سبحانی حتی به ذکر این که آمریکا دشمن ما است، احتراز می‌کند. پادمان هست که آقای مهندس بازرگان هم در تمام دوران دولت وقت از امپریالیسم آمریکا اسم نمی‌برد، حالا شاید اسم یکبار برده باشد، ولی واقعتاً این است که این اسم بردن آنقدر نادر بود که ما می‌توانیم بگوییم، اصلاً نشنیدیم که ایشان از امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن ایران یاد کرده باشند. حالا این آقای مهندس سبحانی اظهاراتی می‌کنند که تقریباً عین همان مطالبی است که روزنامه «رنجبر» در باره لزوم برقراری مناسبات دوستانه با آمریکا نوشته و همان چیزهایی است که مافوقیست‌ها دیگر نظیر آقای غضنفرپور در روزنامه «انقلاب اسلامی» نوشته‌اند. خلاصه حرف همه آن‌ها هم این است که ما باید با آمریکا مناسبات خوب داشته باشیم، باید یکدیگر را همان از آمریکا بگیریم، برای این که تسلیحاتمان آمریکایی است و غیره و غیره. همه این «باید» ها مقدمه‌ایست برای هموار کردن راه همان مناسبات گذشته با آمریکا. پس دعوی بر سر این است. «آزادی» برای این است. ولی وقتی مسئله لزوم اصلاحات ارضی بنیادی مطرح می‌شود، این آقایان مخالف می‌شوند، موضوع محدود کردن تجارت خارجی، ملی کردن تجارت خارجی پیش می‌آید، با آن مخالفت می‌کنند، وقتی این مسئله پیش می‌آید که ما باید روابط استعماری و به خصوص تسلط نظامی آمریکا را در ایران به هر شکلی از اشکال آن، از بین ببریم، زیرا با استفاده از تسلط نظامی بود که آمریکا تسلط سیاسی و اقتصادی خود را به ما تحمیل کرد، این آقایان به مخالفت بر می‌خیزند. دعوی اساسی بر سر لحاف ملانصرالدین است، بر سر این نوع «آزادی» است، و الا واقعتاً این است که الان آزاد ترین طبقه اجتماعی در ایران، طبقه سرمایه‌دار است. این طبقه الان برای تأمین منافع خود، برای تأمین سود حداکثر خود، از آزادی مطلق برخوردار است. این مردم هستند که در مقابل سرمایه‌دار غارتگر آزادی ندارند، سرمایه‌دار می‌تواند قیمت دو چرخه را در عرض دو روز از هزار تومان به هزار و هشتصد تومان برساند. دعوی بر سر ادای غارت بی‌بند و باز هستی توده‌ها میلیونی محرومان جامعه ایران است. هر جا که این مسئله مطرح باشد، لیبرال‌ها به راه می‌افتند و تمام طیفی هم که با لیبرال‌ها هستند یعنی سرمایه‌داران و قشرهای مرفه‌خیز بورژوازی که بخشی از امتیازات خود را از دست داده‌اند و دورنمایی برای دوباره دست آوردن امتیازات گذشته خود در دوران طاغوت، نمی‌بینند، به اضافه تمام عناصر ضد انقلاب، دنبال آن‌ها را می‌گیرند. متینگ‌هایشان را تقویت می‌کنند، شعارهایشان را به دیوار کوجه‌ها می‌نویسند، تراکت برایشان پخش می‌کنند و غیره و غیره.

پس دعوی اساسی در جامعه ما، دعوی با طرفداران سوسیالیسم علمی که حزب توده ایران نمایندگی اصلی آن را به عهده دارد، نیست. دعوی اساسی بین بقایای طبقات غارتگر جامعه طبقات محروم جامعه است و با زتاب خارجی آن را سامه اشکال مختلف در جامعه می‌بینیم. حالا در این بازتاب پدیده‌های گوناگونی هم پیدا می‌شود. مثلاً یک طرف دعوی برای آن که طرف مخالف خود را از میدان به‌در کند - حربه‌های گوناگون به کار می‌برد. یکی از این حربه‌ها که به خصوص برای بیرون کردن نیروی انقلابی غیرمارکسیستی و نیروهای خارج از جبهه هواداران سوسیالیسم، در جامعه ما به کار برده می‌شود، اعم از این که آن‌ها ملی باشند یا مذهبی، همیشه عبارت بوده‌است از زدن برچسب همگاری با کمونیست‌ها یا برچسب کمونیستی. پادمان هست که در دوران قبل از ۲۸ مرداد، رادپوی آزادی، رادپوی لندن و مطبوعات آمریکایی - انگلیسی در ایران از «شاهد» گرفته تا «تهران مصور»، سعی داشتند به صدق هم برچسب کمونیستی بزنند. به او می‌گفتند تو رفتی در دامن کمونیسم. اگر شما به این قبیل روزنامه‌های چند ماه پیش از ۲۸ مرداد، نظری بی‌انزاید، می‌بینید مدام از اسازش دکتر مصدق با کمونیست‌ها، با حزب توده صحبت می‌کنند و می‌نویسند مصدق می‌خواهد ایران را به سوی کمونیسم ببرد. دکتر مصدق هم وقتی زیر این فشار قرار می‌گرفت، مجبور می‌شد گاه و بیگاه دو تا فحش بسدویپراه هم به حزب توده ایران بدهد و اتهامی به حزب توده ایران بزند. حالا این جریان دارد تکرار می‌شود.

بقیه در صفحه ۶



# کارگران معدن منگنز آماده جانبازی در جبهه های جنگ هستند

معدن منگنز واقع در روستای ونارج در ۳۱ کیلومتری شهر قم قرار دارد. در این معدن تعداد صد و نه نفر کارگر کار می کنند.

این معدن قبل از انقلاب در اجاره علی رضایی، سناتور رژیم سابق قرار داشت. وضع بهداشتی این معدن بسیار اسفناک است. دو تن از کارگران به نام های حسن فاضلی و قربان رحیمی و چند تن دیگر، قبل از انقلاب بر اثر مسمومیت با منگنز دچار فلج و ناراحتی اعصاب شده بودند، که توسط رضایی از کار اخراج شدند. خوشبختانه دو تن کارگر نابرده پس از پیروزی انقلاب، به پست های نگهبانی معدن گمارده شدند.

حقوق ماهیانه کارگران اغلب بامدتی تاخیر پرداخت می شود. زیاد اتفاق می افتد که کارگران حقوق یک یا چند ماه خود را طلبکارند.

کارگران از سرپرست های کارخانه شدیداً اظهار نارضایتی می کنند. زیرا مثلاً یکی از سرپرستان، با تمام وجود با شورای اسلامی معدن مخالفت می کند.

خواسته های کارگران عبارتند از:

- ۱- تنظیم ساعات کار برابر با قانون کار،
- ۲- رسیدگی لازم به امور بهداشتی و ایمنی،
- ۳- قرار گرفتن همه کارگران تحت پوشش بیمه،
- ۴- پرداخت حقوق و مزایای آن ها در آغاز هر ماه.

کارگران این کارخانه همه مصائب و مشکلات خود را ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا و همچنین غارت و چپاول میهن ما طی سالیان دراز توسط آمریکا و امپریالیست های دیگری دانند. کارگران معدن همگی آماده اند تا برای کوتاه کردن دست عمال رژیم مزدور بعثی عراق، راهی جبهه های جنگ شوند.

## وضع مالکیت کارخانه «کارتن گار» را روشن کنید

داشت، ملی اعلام شد، ولی از آن هنگام تاکنون نهاداره کارونه مراجع مسئول دیگر، در مورد ملی شدن کارخانه سخنی به میان نیاورده اند.

این کارخانه در حال حاضر با مشکلاتی دست به گریبان است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

کمیبود مواد اولیه (کاغذ) و کمیبود لوازم یدکی ماشین آلات است. در رفع مشکلات موجود در حال حاضر کارخانه با خطر تعطیل روبروست.

اخیراً از جانب کارگران و کارمندان کارخانه کارتن گار شورش جهت رسیدگی به مشکلات کارخانه ایجاد شده است. اظهار دیگر آن ها اینست که:

امیدواری می شود که شورا بتواند گام مهمی در رفع مشکلات موجود بردارد.

کارگران از مقامات مسئول می خواهند که در امور رفع مشکلات موجود بشورای کارخانه پاری رسانند. تقاضای دیگر آن ها اینست که:

کمیبود مواد اولیه (کاغذ) و کمیبود لوازم یدکی ماشین آلات است. در رفع مشکلات موجود در حال حاضر کارخانه با خطر تعطیل روبروست.

اخیراً از جانب کارگران و کارمندان کارخانه کارتن گار شورش جهت رسیدگی به مشکلات کارخانه ایجاد شده است. اظهار دیگر آن ها اینست که:

## اعلام آمادگی کارکنان توانیر مشهذبیرای دفاع از میهن انقلابی

کارکنان انقلابی توانیر (نیروگاه مشهد) آمادگی خود را برای اعزام به جبهه و همچنین کمک به مبارزان انقلابی در زمینه برپا کردن تاسیسات صنعتی اعلام کردند.

به دنبال جنگ تحمیلی عراق به ایران و بمباران تاسیسات صنعتی، عده ای از کارکنان توانیر مشهد، از جمله متخصصین فنی، که همواره نقش فعال در دوران انقلاب داشته اند آمادگی خود را برای اعزام به جبهه اعلام کردند.

دیگر کارکنان نیز با شرکت در سیج بیست میلیونی و کسب آموزش نظامی در محیط کار، خود را برای مبارزه با آمریکا و جهانخوارو صدام جنایتکار در دو جبهه کار و بیکار آماده کرده اند.

وضع سهام داران کارخانه ونحوه دخالت و نظارت دولت را در این مورد رسماً روشن کنند.

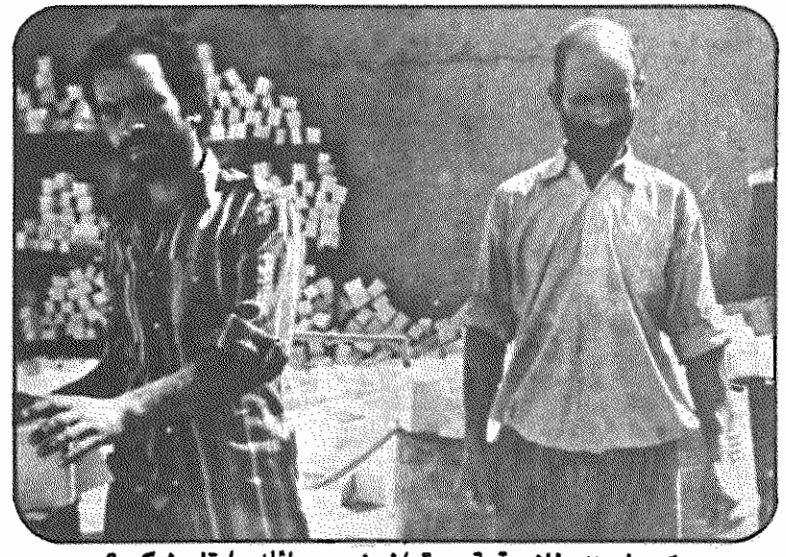
## در کارگاه های صابون پزی چه می گذرد؟

برای آشنائی با امر صابون پزی و وضع کارگران آن، به دو کارگاه صابون پزی در شهرهای مشهد و سبزوار مراجعه کردیم و با کارگران به گفتگو نشستیم.

اولین کارگاهی که مورد بازدید ما قرار گرفت، یکی از پزی کارگاه صابون پزی، واقع در خیابان مصلی مشهد بود.

هریک از کارگاه های کوره دارد، که بوسیله آهن های که زیر آن قرار دارد، گرم می شود. کوره دو روز در هفته کار میکنند و بقیه روزهای هفته به اصطلاح صرف دم کشیدن آنها می شود.

شدم، به مردی برخورد کردیم که چهره پرچروک او و دست های پینه بسته اش گویای سال ها رنج و مشقت است. با او سر صحبت را باز کردیم. او گفت: "نام من مرتضی است. بیست سال است که کارگر صابون پزی هستم." وی با اشاره به موهای سپیدش اظهار داشت که: "سپیدی موهای من دلیل بر زیادی سنم نیست، چون من فقط چهل و هشت سال بیشتر سن ندارم و این کار شبانه روزی مرا بکلی شکسته کرده است."



مگر با چندرغاز حقوق می توان پنج سرعائله را تامین کرد؟

آنگاه او ضمن نشان دادن پاها و دست های سوخته اش، از ستمی که ارباب در مورد او روا می دارد، با ما درد دل کرد و در پاسخ سؤال ما که: آقا مرتضی بیمه هستی؟ پس از کشیدن آهی دردناک و لبخندی معنی دار، گفت: "هر روز صبح از هنگام طلوع آفتاب تا پاسی از شب رفته کاری کنیم و چهارتا دیگ صابون را راهی اندازیم. ارباب برای اینکه پول بیمه را نپردازد، در دفتر خود بجای چهار دیگ، یک دیگ می نویسد. مسلم است کسی که سراسر بیمه کلاه می گذارد، به هیچ وجه زیر بار بیمه کردن ما نخواهد رفت."

مرتضی ضمن برشماری مشکلات کار، اضافه کرد که:

"ارباب از هر دیگ صابون پزی، بیش از هزار تومان درآمد دارد، که در مجموع درآمد او به بیش از چهار هزار تومان بالغ می شود. آیا عادلانه است که او با این درآمد کلان، به من حتی مزد یک کارگر ساختمانی را هم ندهد؟ ناگفته نماند که صاحب کارگاه یکی از سرمایه دارانی است که علاوه بر کارگاه صابون پزی، مالک چند باب مغازه و خانه و زمین است. ما سه ماه است که گوشت به دهانمان نرسیده است. آخرمگر با این چندرغاز می شود پنج سرعائله را گوشت داد؟"

یکی دیگر از کارگران صابون پزی، در مورد درآمد کارگاه صابون پزی، اظهار داشت که:

"صابون خشک در بازار کیلویی هفده تومان و صابون تر کیلویی هفت تومان ونیم است. با اضافه کردن پول پیه (چربی) و مزوما در مجموع مبلغ دو هزار و هفتصد تومان برای صاحب کار هزینه ایجاد می کند. او معمولاً با صرف این مقدار هزینه، درآمدی بیش از شش هزار تومان خواهد داشت."

مقامات مسئول بنا بر ضرورت انقلاب و بخصوص ضرورت این لحظه حساس، که امپریالیسم آمریکا و نوکرائش علیه انقلاب و میهن مامشغول توطئه و تجاوز هستند، باید هر چه زودتر به وضع این کوخ نشینان رسیدگی کنند. نباید گذاشت که کارفرماها در حق کارگران زحمتکش ستم روا دارند. باید آنها را وادار ساخت که حقوق اولیه انسانی این کارگران شریف را به رسمیت بشناسند. همچنین گرانی روز افزون هزینه زندگی تیز زحمتکشان را خرد کرده است. باید با اتخاذ تصمیم های فوری و قاطع، کارگران و زحمتکشان را از زیر بار این فشار خرد کننده نجات داد.

# در کارگاه های گالش سازی فقط کار است و بیماری

در شهر قم حدود شصت کارگاه گالش سازی وجود دارد. قبلاً مواد اولیه گالش از کشورهای خارج تامین می شد، ولی مدتهاست که ورود این مواد قطع شده است. یکی از واردکنندگان مواد اولیه گالش، کفش پلاستیک، که سهامداران آن وابستگان به دربار پهلوی بودند. آنها مواد اولیه مورد نیاز را، بدون پرداخت حقوق گمرکی، وارد کشور می کردند.

مواد اولیه کارگاه های گالش سازی را در حال حاضر کفش های پلاستیکی کهنه و پاره تشکیل می دهند، به این ترتیب که این نوع کفش ها را پس از تمیز کردن و زدودن گرد و غبار، در ماشین مخصوص خرد کردن مواد پلاستیکی خرد و تبدیل به مواد بریزی می کنند.

در این کارگاه بیشتر کارگران افغانی، پاکستانی و عرب کار می کنند، زیرا این کارگران با مزد کم در بدترین شرایط بهداشتی حاضرند کار کنند. در ضمن کارفرمایان بابت بیمه و سایر تسهیلات رفاهی بولی پرداخت نمی کنند. یکی از کارفرمایان در این مورد می گفت:

"اخراج کارگران خارجی کار بسیار ساده ای است، چون دیگر با وزارت کار درگیری پیدا نمی کنیم"

ناگفته نماند که بیشتر کارگران روزی دوازده ساعت کاری کنند و حداکثر مزد آنها ۶۰۰ تا ۷۰۰ ریال است.

یکی از کارگران کارخانه گالش سازی صدیقی، در این مورد اظهار داشت که:

"با این حقوق کم نمی توانیم زندگی خود را اداره کنیم. نه شورا داریم و نه چیزی که به درد ما برسد. در این کارگاه حتی حدود هفت نفر از کارگران را کودکان ۷ تا ۱۲ ساله تشکیل می دهند، که با ۱۲ ساعت کار، فقط روزانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ ریال دستمزد دریافت می کنند."

این کارگران خردسال معمولاً با سرو صورت کثیف و رنگی در میان زباله ها و کفش های کهنه و پاره دائماً در حال آمد و رفت هستند. وقتی در مورد آنها از کارفرما سؤال کردیم، گفت:

"اینها کودکان محصلی هستند که پدر و مادرشان بخاطر اینکه در خانه شیطنت نکنند، آنها را به اینجای آوردند و ما هم روزی چند تومان به آنها مزد می دهیم، تا در کوجه و خیابان سرگردان نشوند."

برای کسب اطلاع بیشتر در مورد کارگران خردسال، با یکی از آنها به گفتگو نشستیم. او گفت:

"من نزدیک به یکسال ونیم است که در اینجای کار می کنم و هفته ای مزد می گیرم. کارفرما مزد را به این دلیل هفته ای می پردازد که، بنا به گفته خودش، اگر از کارگری ناراضی بود، بتواند او را فوراً اخراج کند. ما هم از ترس اینکه مبادا اخراج شویم، مطابق دستور کارفرما عمل می کنیم."

از یکی از کارگران در مورد بیمه سؤال کردیم. گفت:

"حدود سه سال است که اینجا کار می کنم، ولی کارفرما بخاطر اینکه پول کمتری بابت بیمه بپردازد، سابقه کار مرا یکسال بحساب آورده است."

ناگفته نماند که برخی از کارگران ایرانی این کارگاه ها، که سابقه خدمت ۳-۴ ساله دارند، در اثر فشار اداره بیمه های اجتماعی و خود کارگران بیمه شده اند.

در این کارگاه ها برخی از کارگران به بیماری های انگلی و میکروبی مبتلا هستند که از جمله بیماری های مالاریا و وبا را می توان نام برد. این بیماری ها سلامت دیگر کارگران را مورد تهدید قرار می دهد. از جمله علل بروز این گونه بیماری ها، عدم کنترل دقیق بهداشتی از جانب مقامات مسئول است، که اقدام به پیشگیری

## کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

دومین کارگاهی که مورد نظر ماست، در سبزوار قرار دارد. وقتی وارد کارگاه



# نباید گذاشت که اربابان ولپر اهل هابا اعمال فشار جلوی کار هیئت انفری را بگیرند

از قدیمی ترین روستاهای منطقه داران فریدن در استان اصفهان است. این روستا که در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی داران واقع است، نزدیک به ۴۰۰ سال است که هموطنان ارامنه را در خود جای داده است ولی هر چند وقت یکبار خانواده های ارمنی این محل را ترک میکنند، بطوریکه اکنون از ۱۰۵ خانوار تنها ۲۵ خانوار ارمنی وجود دارد. بقیه اهالی، ترک زبان هستند که قریب ۱۰ سال است به علت خراب شدن روستای قبلی شان بنام یا نچشمه، به این روستا

★ یک دهقان زحمتکش  
ده میاز داشت در چیمه  
شمرید شد  
★ چند دهقان از این  
ده به چیمه رفته اند  
★ تمام اهالی آمادگی  
خود را برای نبرد علیه  
صدام آمریکائی اعلام  
داشته اند



دهقان شخم می زند، کار کشت و داشت و برداشت با اوست، زمین نمیتواند و نباید مال ارباب غارتگر باشد.

است و از کشت اراضی خودداری میکنند، تقریباً همه اهالی این روستا را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل میدهند. این اراضی عملاً شامل بند "الف" میشود و هیئت هفت نفری میتواند بلافاصله آنها را به دهقانان واگذار کند. نهادهای انقلابی و مسول باید کمک کنند تا زمینها آماده کشت شود.

روستای سفتجان، یکی از فریدن است، که بیش از ۴۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در چند کیلومتری جنوب غربی شهرستان داران واقع است. این روستا فاقد زمین مزروعی به اندازه کافی است. به همین جهت اهالی این روستا در اراضی روستاهای اطراف نیز کشت میکنند. مثلاً ۳۶ شعیر (واحد کشت و ریزی) از ۹۶ شعیر زمینهای کشاورزی روستای درختک را اهالی سفتجان کشت میکنند و بدین ترتیب است تمام زمین های روستاهای مجاور سفتجان. این روستا تعداد زیادی خوش نشین دارد که عده ای از آنها در شهرهای کارگری مشغول هستند. در این روستا بجز چند خانه، بقیه خانه ها برآستی جای زندگی نیست، زیرا تنها از گل و حوب ساخته شده است و

روستاهای منطقه داران فریدن و اطراف فریدون شهر در بند میراث شوم رژیم ملعون پهلوی، یعنی عقب ماندگی و فقر هستند. با این مواهب آریا مهری سالیان در اراضی که روستایان و کشت و ریزان زحمتکش و مزار این منطقه دست بگریبانند، آنها با پوست و گوشت خود تمام این بی عدالتیها را احساس کرده اند و زجر کشیده اند.

اکثریت ساکنان این منطقه سردو کوهستانی رادهانان بی زمین و کم زمین تشکیل میدهند. مشکل اساسی روستایان اطراف داران فریدن، همچون دیگر روستایان میهنمان، مسئله زمین است. اراضی این منطقه بعلت خشکسالی و کمبود آب زراعی کافی، بیشتر بصورت دیم کاری کشت میشوند و نسبت زمینهای آبی کمتر است. در این روستا نیز مالکان اراضی را "ملک طلق" پدرشان می دانند و بیشترین زمینها را، که بصورت با پروکشت نشده باقی مانده است، در اختیار خود دارند. در حالیکه اغلب آنها را یا خودشان یا پدرشان غصب کرده و سندساز کرده اند. در عوض اراضی دهقانان بسیار کم است و بعضی از این روستایان مانند دهقانان روستاهای سفتجان، ناچارند با وجود زمینهای وسیع اطراف، که متعلق به بزرگ مالکان است، به یک روستای دیگر بروند و در آنجا کشت کنند. حتی این مسئله در برخی روستاها باعث اختلافات جدی و درگیری های بسیار شدید شده است. نظیر درگیری میان روستایان میان نداشت و شش جوان، بروراین اختلافات و درگیریها در شرایط حاد کنونی، که میهن ما با تجاوز رژیم مزدورو متجاوز صدام روبرو است، بهیچ وجه به نفع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست.

این روستایان آمادگی خود را برای نبرد علیه رژیم بعثی - آمریکائی صدام اعلام کرده اند. چندین نفر از آنان از روستاهای میهنمان به چیمه رفته اند و حتی یکی از این دهقانان زحمتکش در چیمه شهید شده است.

هیئت واگذاری زمین هنوز مبادرت به تقسیم زمین بزرگ مالکان میان دهقانان نکرده است. در صورتی که اقدام به این عمل کامل ضروری است و تاخیری که شده، حالا متأسفانه موجب حمله اربابان، خوانین و لیبرالها شده است. آنها از شرایط استثنائی و دشواریهای که آمریکا ایجاد کرده، در آنست که میسرند و میخواهند جلوی حق مسلم دهقانان را بگیرند. روستایان تاکنون چندین بار بطی نامه ها و درخواستهای گوناگون از مقامات مسئول درخواست واگذاری زمینها و عمل سریع هیئت انفری را کرده اند. ضمناً این مسئله نبود کمبود زمین باعث شده است که بسیاری از دهقانان از کار کشاورزی بیگانه برای تامین معاش روزانه راهی شهرها شوند.

معضل کمبود آب آشامیدنی و زراعی کافی، یکی دیگر از مشکلات مهمی است که گریبانگیر روستایان این منطقه است.

آنها برای تامین آب آشامیدنی نیز دشواری دارند. دهقانان این منطقه احتیاج دارند که نهادهای انقلابی و پیش از همه جهاد سازندگی، در امر بازسازی روستاهای آنها اقدام کنند.

و اینک اطلاعاتی از دهات این منطقه:

آمده اند. این روستا نزدیک به ۱۵۰ هکتار زمین آبی و بیش از ۷۰ هکتار زمین دیمی دارد که همه ساله کشت می شود. علاوه بر زمینهای مذکور، مقدار زیادی نیز زمین موات و بایر قابل کشت وجود دارد. اگر مسئولان در امر حفرچاه و دادن امکانات لازم سریعاً اقدام کنند، این زمینها نیز بموقع زیرکشت خواهند رفت.

در این روستا بزرگ مالک وجود ندارد، اما تعداد بسیاری خوش نشین دارد، که تمام آنها به امیدواگذاری زمینهای موات و بایر و آماده کردن برای کشت هستند که شامل تاخیر موقتی بنظر می آید. دهقانان فوراً با نهاد داده شود، دهقانان از هم اکنون خود را برای زراعت آماده میکنند. آب لوله کشی و رراعی، احداث درمانگاه و ارسال پزشک، برق کشی، ایجاد شرکت تعاونی، راه سالم ارتباطی و واگذاری ماشین آلات کشاورزی اهالی است. برای تکمیل هیئت هفت نفری واگذاری زمین



دهقان محصول را جمع آوری می کند. دستهای پینه بسته او زحمت خاکشیده از زمین لمری بیرون کشیده. محصول کار او نمی تواند و نباید مال بزرگ مالک ستمگر باشد. (اطراف فریدون شهر)

در ۳۰ کیلومتری جنوب فریدون شهر، روستای زتوابع فریدن واقع است، که میدانک بزرگ نام دارد. این روستا بیش از ۷۰۰ نفر جمعیت دارد. از این جمعیت در روستا قریب ۴۵۰ نفر میمانند و بقیه به شهر ویا مناطق قشلاقی میروند. این روستا ۷۰۰ جریب زمین آبی و ۲۷۰۰ جریب زمین دیمی و مقدار فراوانی زمینهای بیروموات دارد. آب زراعی روستایان از قنات و چشمه تامین میشود. دهقانان عقیده دارند که برای رفع مشکل کم آبی باید سد در دره دوران تاسیس کرد. آنان این دره را محل مناسبی برای سدبندی میدانند.

امسال هیچ زراعی در این روستا از محصولات دیمی خود راضی نبود، نبود راه ارتباطی سالم، برق، آب، بهداشت و پیشرفت و دیگر امکانات اولیه زندگی از دیگر مشکلات اساسی روستایان میدانک بزرگ است. همچنین اهالی این روستا از دولت انقلاب خواستار وام دراز مدت، حفرچاه، بذر و کود و ماشین آلات کشاورزی هستند.

روستای میان نداشت، از روستاهای تابع فریدن، واقع در غرب منطقه داران و یکی از بزرگترین روستاهای این منطقه است. این روستا در حدود ۳۰۰ نفر جمعیت دارد که نیمی از آنها خوش نشین هستند. عده زیادی از خوش نشینان بعلت کمبود زمین و امکانات کشاورزی، سالهاست که در سنگریه ها و کوره های آجرپزی در اطراف شهرستان اصفهان، مشغول کارگری هستند. اهالی این روستا مشکلات بیشتری دارند، اما عمده ترین مشکل آنها اختلافات با همسایگان و بیوزره در ۲۸ کیلومتری و در غرب شهرستان داران است. اربابان از این اختلاف و نفاق سوء استفاده میکنند. در حالیکه همه آنها، از هر جا که آمده باشند، زحمتکش هستند و اگر برادروار کار روکوش کنند، شورای بررسی درست کنند، با هم همکاری کنند، تعاونی واقعی درست کنند، بنفع همه آنها خواهد بود.

این اختلافات تاکنون متأسفانه منجر به برخورداتی

بین زحمتکشان هر دو روستا شده است. از روستایان میان نداشت اخیراً برای نبرد علیه مزدوران متجاوز رژیم صدام حسین، تعداد زیادی به چیمه رفته اند. یکی از همین افراد در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جان خویش را از دست داد و شهید شد.

اهالی میان نداشت با تنفر زیادی از رژیم شاه ملعون یاد میکنند و علاقه خاصی نسبت به جمهوری اسلامی ایران دارند. بدین لحاظ تاکنون سعی زیادی کرده اند که با مراجعه به دادگاه انقلاب اسلامی داران، اختلافات خود را با روستایان شش جوان، حل کنند. اما متأسفانه مقامات مسئول تاکنون اقدام جدی و قاطع در این زمینه نکرده اند و هر لحظه دامنه این اختلافات عمیق تر میشود. لازم است که مسئولین هرچه سریعتر، با کوتاه کردن دست عمال بزرگ مالکان و عناصر ضد انقلاب و با حل مسئله زمین به این اختلافات پایان بخشند. روستایان به درستی زمینداران بزرگ منطقه را عامل اصلی تشنج و درگیری میان آنان و دیگر روستایان زحمتکش روستاهای مجاور

لازم است که مقامات مسول هرچه سریعتر در زمین واگذاری اراضی بزرگ مالکان و واگذاری آنها به دهقانان زحمتکش اقدام کنند و هیئت ۷ نفری را به این مناطق بفرستند، تا در مناطق مساعد کار خود را ادامه دهند و اراضی بند الف و ب را هم هرچه زودتر تشخیص دهند و تعیین کنند و قانون را اجرا نمایند. نباید گذاشت دهقانان نسبت به انقلاب و هدفهای جمهوری اسلامی ایران مایوس و دلسرد شوند. باید از بروز اختلافات و درگیریها در بین دهقانان زحمتکش، بویژه در شرایط کنونی که کشور مادر گیر جنگ تحمیلی آمریکائی است، جدا جلوگیری کرد. این درگیریها نه بسود انقلاب است و نه بسود دهقانان زحمتکش از این عمل تنها مالکان بزرگ و ضدا انقلاب شاد میشوند. دست هیئت واگذاری زمین استان اصفهان کاملاً با راست که طبق رهنمود امام خمینی، با تشخیص و تعیین اراضی بندهای و زمینهای بایری را که مالکین بزرگ با آگاهی کامل از کشت آن خودداری میکنند، معادله کنند و آنرا همراه با احتیاجات مورد لزوم کشاورزان جهت کار کشاورزی مانند تراکتور، آب کافی، بذر، سموم مورد احتیاج، وام و غیره، بدقانان بی زمین و کم زمین این منطقه واگذار کنند. از این طریق هم تولید محصولات کشاورزی بالا می رود، که برای مین ما بسیار ضروریست، و هم دهقانان زحمتکش صاحب زمین میشوند و هم اربابان توطئه گرو عامل امپریالیسم خلع سلاح میشوند.

کوچکترین حادثه طبیعی ممکن است آنها را ویران کند و بر سر صاحبانش فروریزد. البته زمین موات و کشت نشده در این روستا و اطراف آن فراوان است، ولی عدم امکانات کشاورزی به اهالی اجبازه حاصلخیز کردن آنها را نمی دهد و لذا تنها واگذاری زمین مسئله را حل نمیکند. روستایان میگویند:

" اگر دولت و نهادهای انقلابی به ما کمک و اراضی را به ما واگذار کنند، به یاری هم به حفرچاه، کشت زمین و تولید محصولات بیشتر برای رفع نیازهای مردم در شرایط کنونی میپردازیم. علاوه بر اینکه محصولات ما چند برابر میشود، بی زمینها هم صاحب زمین می شوند و میتوانند برای خود زراعت کنند."

این روستا فاقد بهداری است و زمستانها که رفت و آمد بعلت مسدود بودن راه ارتباطی به شهر تقریباً غیرممکن میشود. اگر کسی مریش شود، امکان زنده ماندن به همین علت بسیار کم است. این روستا همچنین فاقد برق و آب آشامیدنی است. روستای سواران، یکی

**دهقانان زحمتکش! دفاع از میهن  
و در هم شکستن توطئه آمریکا  
بمعنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز  
هست. یک وجب از زمین زراعی  
را بدون کشت نگذارید. بیل شما که  
بزمین فرو میرود سر نیزه های  
است به قلب دشمن**



# استقلال

عمده‌ترین هدف انقلاب بزرگ ایران ما، کسب استقلال کشور و عمده‌ترین وظیفه‌ای که در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، تأمین استقلال کشور، حفظ آن، تحکیم آنست. حفظ و تأمین و تحکیم استقلال کشور، وظیفه مقدسی است که در برابر هر انقلابی راستین قرار گرفته است.

معنا و مفهوم استقلال روشن است. استقلال یعنی عدم وابستگی. ولی استقلال یا عدم وابستگی به معنای انزواطلبی، به معنای قطع رابطه با دیگر کشورها، به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست. یک چنین "استقلالی" نه ممکن است و نه مفید. ما وقتی بتوانیم احترام به تمامیت ارضی کشور و احترام به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تأمین کنیم، وقتی قادر باشیم که در عرصه سیاست، چه سیاست خارجی و چه داخلی، راسا تصمیم بگیریم و در عرصه اقتصاد مناسبات برابر حقوق با سود عادلانه متقابل با دیگر کشورها برقرار کنیم، یعنی وقتی ما در تمام شئون زندگی، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی و غیره خودمان، بر مبنای مصالح کشور و به سود رشد و ترقی وطنمان، راسا تصمیم اتخاذ کنیم، و هرگونه رابطه با دیگر کشورها را بر مبنای احترام متقابل، حقوق برابر و سود متقابل عادلانه برقرار کنیم، استقلال کشورمان را تأمین کرده ایم. این معنی و مفهوم واقعی استقلال است.

ولی این معنی و مفهوم واقعی استقلال، از طرف نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران، که ابدا خواهان استقلال نیست، عمدا و از طرف برخی استقلال طلبان صادق، سهوا دگرگون عرضه می‌شود.

بورژوازی لیبرال ایران که معتقد است "چون وابسته بوده ایم، به ناچار باید وابسته بمانیم"، یعنی وابستگی ایران را امری محتوم می‌داند و از این مواضع می‌کوشد که وابستگی ایران را به امریالیسم حفظ کند (این سیاست ناشی از منافع طبقاتی و منطبق بر نفع طبقاتی اوست)، مسئله را چنین طرح می‌کند: در جهان امروز ما عدم وابستگی ممکن نیست. همه کشورهای جهان یا به "شرق" و یا به "غرب"، یا به آمریکا و یا به شوروی وابسته‌اند. هیچ کشوری در این جهان مستقل نیست. پس وابستگی امری است ناگزیر. ما نمی‌توانیم وابسته نباشیم. "به ناچار باید وابسته باشیم". اگر شما از این آقایان برسید که: مگر مثلا سوریه وابسته است و مگر الجزایر مستقل نیست؟ خیره به چشم شما نگاه می‌کنند و با گستاخی پاسخ می‌دهند که اینان به "روسیه" وابسته هستند. به ادعای اینان هیچ کشوری مستقل و غیروابسته نیست و نمی‌تواند باشد.

هدف نمایندگان بورژوازی لیبرال از نفی امکان استقلال معلوم است. اینان با نفی امکان قطع وابستگی، با نفی امکان برقراری مناسبات غیر وابسته با دیگر کشورها، از جمله و بخصوص با کشورهای سوسیالیستی، و نیز با دیگر کشورهای غیر وابسته "جهان سوم" می‌خواهند ایران را ناگزیر سازند که مجددا در راه قبول وابستگی به کشورهای سوسیالیستی و بخصوص به آمریکا قرار گیرد.

از سوی دیگر، برخی استقلال طلبان صادق به خطا تصور می‌کنند که هرگونه رابطه با دیگر کشورها نوعی وابستگی است. اینان بدون این که خود بخواهند، افراد و انزوا را کشور استقلال می‌دانند. خودکفایی را به معنای بی‌نیازی مطلق می‌دانند. توجه ندارند که حتی کشوری مانند آمریکا، با قدرت عظیم تولیدی و با ثروت عظیم طبیعی و با سرزمین فوق العاده حاصلخیز، و با حتی کشوری مانند شوروی، با نظام توانگر و توان بخش اجتماعی - اقتصادی سوسیالیستی و با ثروت طبیعی بیکران، با زهم نیازمند مبادلات و در نتیجه داشتن مناسبات با دیگر کشورهای جهان هستند. هدف این زمره از استقلال طلبان، البته تأمین استقلال کشور است، ولی آنها مفهوم واقعی استقلال را به درستی نمی‌دانند و به خاطر گریز از وابستگی، که ایران قبل از انقلاب رهائی بخش ۲۲ بهمن همیشه دچار آن بوده، قطع هرگونه رابطه را کلید استقلال تصور می‌کنند و در نتیجه، به جای کوشش در راه تأمین استقلال، در راه انزوا و انفراد کشور می‌رانند.

پس به نظر می‌رسد که، نه فقط برای خنثی کردن سیاست فرضانه بورژوازی لیبرال، که قصد وابسته کردن مجدد ایران را به امریالیسم دارد، بلکه همچنین برای بسیج تمام نیروهایی که صادقانه خواستار تأمین استقلال کشورند، باید حقایقی چند گفته شود. این حقیقت امروز دیگر بر همه کس معلوم است و ما با تجربه تلخ به عمق آن بی‌برده ایم که، کشورهای رشد یافته سرمایه داری، یعنی

اتحاد شوروی، نیز مانند کشورهای امریالیستی سیاستی سلطه‌جو و غارتگرانه دارند. گویا فرق چندانی بین کشورهای امریالیستی و کشورهای سوسیالیستی، بین آمریکا و شوروی نیست و گویا برقراری مناسبات با اتحاد شوروی نیز همانند برقراری مناسبات با امریالیسم آمریکا، قبول وابستگی است، و بنابراین گویا قبول وابستگی در هر صورت امری ناچار و ناگزیر است. هدف از این تبلیغات ممانعت از برقراری مناسبات از طرف کشورهای "جهان سوم" با کشورهای سوسیالیستی است، تا در نتیجه این کشورها در وابستگی به کشورهای امریالیستی باقی بمانند. ولی واقعیت این است که کشورهای سوسیالیستی در برقراری مناسبات با کشورهای "جهان سوم" اگر نفعی را تعقیب می‌کنند، این نفع دقیقا بر مینا و در نتیجه رعایت حقوق برابر و سود متقابل عادلانه به دست می‌آید. سیاست برقراری مناسبات بر مبنای رعایت حقوق برابر و سود متقابل عادلانه ناشی از سرشت نظام اجتماعی - اقتصادی سوسیالیسم است و در عین حال وسیله‌ای است برای شکستن پایه‌های مناسبات استعماری، کمک به رشد مستقل کشورهای "جهان سوم"، که بتدریج عرصه را بر امریالیسم تنگ می‌کند، امریالیسم - دشمن آشتی‌ناپذیر سوسیالیسم - را تضعیف می‌کند،

زمینه جهانی برای درهم شکستن امریالیسم، رهائی جهان از این غارتگر متجاوز سیری‌ناپذیر، فراهم می‌سازد. به همین دلایل، یعنی هم به دلیل سیاست ناشی از سرشت نظام سوسیالیستی و هم به دلیل نبردی که در دوران ما بین سوسیالیسم و امریالیسم جریان دارد، کشور - های سوسیالیستی با کشورهای رها از قید اسارت سیاسی امریالیسم، نه فقط مناسبات برابر حقوق برقرار می‌کنند. بلکه با کشورهای از این گروه، که درگیر نبرد با امریالیسم برای تأمین استقلال خویشند، مناسباتی بر مبنای حمایت از آنها برقرار می‌سازند.

این دروغ محض است که کشورهای نظیر سوریه، لیبی، الجزایر، یمن، موزامبیک، آنگولا، موزامبیک، تانزانیا، ویتنام، لاوس، کامبوجیا، گینه بیسائو، کنگو، هندوستان... که با کشورهای سوسیالیستی و با اتحاد شوروی روابط گسترده برقرار کرده‌اند، وابسته به "شرق" شده‌اند. درست برعکس، کشورهای نامبرده و کشورهای نظیر آنها، با برقراری مناسبات گسترده با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، استقلال واقعی خود را در تمام زمینه‌ها و شئون زندگی تحکیم کرده‌اند. آیا گویا نمودار درخشانه این واقعیت نیست، که برقراری مناسبات گسترده با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی باعث حفظ و تأمین استقلال می‌شود، و نه برعکس آن؟

جندی پیش - چنان که می‌دانیم - یک

کشورهای سرمایه داری که به مرحله امریالیستی رسیده‌اند، استعمارگرند. آنها هر کشوری را که بتوانند زیر سلطه سیاسی خود می‌گیرند، اقتصاد آن را به خود وابسته می‌سازند و آن را، تا جایی که بتوانند، در معرض غارت بی‌امان قرار می‌دهند. ولی آیا سیاست استعمارگرانه کشورهای امریالیستی هم‌جا قابل اعمال است؟ آیا هرگونه برقراری رابطه با این کشورها قبول استعمار است؟ نه چنین نیست. سیاست استعمارگرانه و قصد غارت چیزی است و اعمال این سیاست چیز دیگر. این امکان در شرایط کنونی جهان وجود دارد که کشوری، از موضع حفظ بی‌خود استقلال خود، با کشورهای امریالیستی معاملات مشخصی بر مبنای حقوق برابر و نفع متقابل انجام دهد. مثلا کشورهای سوسیالیستی، و از جمله اتحاد شوروی، با کشورهای های رشد یافته سرمایه داری، یعنی با کشورهای امریالیستی معاملات مشخصی انجام می‌دهند، بدون این که این معاملات کمترین خدشه‌ای به استقلال آنها وارد کند. بدیهی است که کشورهای امریالیستی همیشه سعی دارند، از مجرای این معاملات، به نحوی راهی برای نفوذ مخرب خود در کشورهای سوسیالیستی پیدا کنند. ولی این راه از طرف کشورهای سوسیالیستی مسدود است و مسدود می‌شود. کشورهای مستقل "جهان سوم"، یعنی کشورهای رشد یافته - ای که به حفظ استقلال خود و تحکیم آن پای‌بندند، نیز می‌توانند از موضع حفظ استقلال با کشورهای رشد یافته سرمایه داری معاملات مشخصی انجام دهند. این رابطه البته به دلیل خصلت غارتگرانه و سیاست استعمارگرانه کشورهای امریالیستی دشوار است، ولی غیرممکن نیست. اگر این کشورهای رشد یافته استقلال طلب خود را در "جهان سرمایه داری" محصور نکنند، اگر آنها مناسبات خود را با کشورهای سوسیالیستی نگسترانند، این امکان را می‌یابند که کشورهای رشد یافته سرمایه داری را وادار به قبول معاملات مشخصی بر مبنای برابری حقوق و سود متقابل عادلانه کنند. این امکان ناشی از اوضاع جهان معاصر، ناشی از وجود کشورهای سوسیالیستی و گروهی کشورهای مستقل در "جهان سوم" است.

حقیقت دیگری که وجود دارد، ولی زیر پرده دود غلیظ تبلیغات گسترده امریالیستی تا حدود زیادی از انظار مردم کشورهای "جهان سوم" پنهان مانده، این است که کشورهای سوسیالیستی در برقراری مناسبات با دیگر کشورها - ها نه فقط قصد سودجویی یک طرفه ندارند، بلکه خواستار رشد مستقل کشورهای "جهان سوم" اند. به تجربه می‌توان این حقیقت را شناخت. امریالیسم، با دستگاه تبلیغاتی عظیم خود، همواره می‌کوشد چنین وانمود سازد و به خلق های استقلال طلب کشورهای "جهان سوم" چنین تلقین کند که کشورهای سوسیالیستی، و بویژه

نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی در تهران تشکیل شد. در این نمایشگاه جمعا ۱۳ کشور شرکت کردند، که از آنها ۹ کشور، کشور سوسیالیستی بودند. کسانی که از این نمایشگاه دیدن کردند، مشاهده کردند که در برابر اطریش - کشور صنعتی رشد یافته سرمایه داری، که لباس و وسایل اسکی عرضه کرده بود، کشورهای سوسیالیستی به طور عمده کالاهای "سرمایه‌ای"، که می‌توانند بنیه رشد مستقل کشور ما را تقویت کنند، پیشنهاد کرده بودند. به اضافه، نمایندگان تمام کشورهای سوسیالیستی در این نمایشگاه موکدا اعلام داشتند که آنها آماده‌اند، بدون هیچ قید و شرط سیاسی، نیازمندی‌های ایران را برآورده سازند. مطلب مثل آفتاب روشن است و هر قدر مبلغان آشکار و پنهان امریالیسم بر روی این آفتاب گل بمانند، نمی‌توانند آن را کور کنند.

حقیقت دیگری که باید در نظر گرفت این است که، هیچ کشوری بی‌نیاز از برقراری مناسبات با دیگر کشورها نیست. هر کشوری، اعم از بزرگ یا کوچک، سوسیالیستی یا سرمایه داری، رشد یافته یا رشد یافته، نیازمند برقراری روابط و مناسبات معینی با دیگر کشورها است. منتها مناسبات داریم تا مناسبات. مناسباتی که مبتنی بر سلطه - جویی و سلطه‌پذیری، نابرابری حقوق و نابرابری بهره‌گیری "باشد، برای کشوری مستقل، برای کشوری که برای خود شایستگی و احترام و حق حیات قائل باشد، پذیرفتنی نیست. ولی مناسباتی که مبتنی بر احترام متقابل به حق حاکمیت، بر عدم مداخله در امور داخلی، بر برابری حقوق و نفع عادلانه متقابل باشد، نه فقط پذیرفتنی است، بلکه بویژه نیاز کشورهای مستقل رشد یافته نظیر کشور ما است.

ممکن است گفته شود، بسیار خوب، مابه این مطالب توجه داریم، ولی اول ما برای کشورهای سوسیالیستی همه این خصوصیات که شما بر شمردید، قائل نیستیم، و ثانیا در این جهان بیش از ۱۵۰ کشور وجود دارند، که غیر از چند کشور امریالیستی استعمارگر، تشخیص درجه حسن نیت و سوء نیت آنها تا حد غیرممکن دشوار است. چگونه می‌توان از این کلاف سردرگم، به سلامت خارج شد؟

پاسخ به نظر ما در یک کلمه خلاصه می‌شود: "تجربه". ما از موضع حفظ استقلال بی‌خود خود، برای رفع نیازمندی‌های خود در هر عرصه‌ای از زندگی که نیازمندی داریم، درصدد برقراری مناسبات با دیگر کشورها برمی‌آئیم. هر یک از این کشورها، ضمن احترام به استقلال و حق حاکمیت ما، بدون مداخله در امور داخلی ما، بر مبنای برابری حقوق و نفع متقابل عادلانه، آماده برای همکاری بودند، ما با آنها همکاری می‌کنیم، والا فلا.

**برقراری اتحاد همه نیروهای  
ضد امریالیستی  
و دمکراتیک ایران  
در جبهه متحد خلق**

بجای وستینگهاوس و زمینس به جای شرکت های الکتریک آمریکا می‌باید، هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد. ولی آنها خودشان خوب می‌دانند که سر همه این شرکت‌های چند ملیتی به یک جا بند است: به مرکز انحصارهای بزرگ جهان سرمایه داری. همه آنها صرف نظر از دعوایی که با هم دارند، رقابت‌هایی که با هم دارند، در یک اصل با هم موافقت و آن غارت کشورهای محروم و سرکوب جنبش‌های اصیل ضد امریالیستی است. نمونه کوچک این جهان غارتگر را ما در همین بازار تهران مشاهده می‌کنیم. مگر در بازار تهران بین این زالوهای بزرگ غارتگر رقابت نیست، مگر آن‌ها توی سرهم نمی‌زنند که لقمه چاق تر و چرب تر را برابند. ولی علی‌رغم این ستیزها، همه آن‌ها در غارت مردم صد درصد با هم موافق هستند. با یک تلفن قیمت آهن ناکهان همه جا بیست درصد بالا می‌رود. همین وضع در مقیاس بزرگ جهانی هم در بین نمایندگان انحصارهای بزرگ سرمایه داری وجود دارد. بنابراین دعوایی که آتش آن الان در ایران گرفته به هیچ وجه بر سر این نیست که فلان دادگاه یا فلان مرجع زیاده روی کرده و از حد خود بفراتر نهاده است. البته همان طور که ما بارها گفته ایم باید دیده‌های نا سالم، با این کمبودها و نقایص باید مبارزه کرد و با شهادت هم باید مبارزه کرد، ولی این دعوای اساسی نیست. دعوای اساسی همان است که نماینده "میزان" مطرح می‌کند. دعوای سرچگونگی سمت گیری اساسی انقلاب ایران است و از آنجا که حزب ما از همان آغاز برای تقویت سمت گیری ضد امریالیستی و خلقی انقلاب مبارزه کرده است، در مرحله کنونی نیز در همین جهت عمل خواهد کرد. ما از آن سمت دفاع می‌کنیم که به طور عمده هر جهت خط ضد امریالیستی و خلقی امام خمینی باشد و اصالت این خط را حفظ کند و نگذارد هجومی که از هر طرف علیه این خط آغاز شده است به نتیجه برسد. سمت ما تاکنون پشتیبانی از این جهت دعوا بوده و در آینده هم در همین جهت خواهد بود.

## پرسش و پاسخ

بقیه از صفحه ۳

امروز هواداران تئوری جدید "القاء ایدئولوژی" ادعا می‌کنند که حزب توده ایران افکار خود را از راه‌های مختلف مخفی در روحانیت مبارز سرخ داده و روحانیت مبارز دارد کمونیسم را پیاده می‌کند. خوب این چه تفاوتی دارد با ادعای "تهران مصور" و "شاهد" در دوران قبل از ۲۸ مرداد که مدعی بودند حزب توده دیگر فقط تنها پایگاه مصدق است و مصدق هم دارد ایران را به کمونیسم تحویل می‌دهد؟ ما این جریان را الان به خصوص در زمینه مسئله مناسبات با آمریکا مشاهده می‌کنیم. چنین وجه تشابهی بین ۲۸ مرداد و لحظه کنونی وجود دارد.

الان در عرصه سیاست ایران دو گرایش ما هم در نبردند. یکی گرایش لیبرال‌ها یعنی گرایش سازش و کنار آمدن با امریالیسم و چسبیدن به دنیای سرمایه داری و یکی هم گرایش خلقی یعنی مقاومت در برابر هرگونه فشار آمریکا و این که ما روابط با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم، مناسبات با آمریکا همیشه مناسبات گرگ و بره، مناسبات غارتگر و غارت شده بوده و این مناسبات را باید قطع کنیم. ما تا آخر عمر علیه آمریکا در جنگیم. چرا؟ برای این که آمریکا از ایران دست بردار نیست. آمریکا محال است که بتواند با انقلاب ایران تا وقتی که این انقلاب چنین محتوایی دارد، سازگار نشان دهد. در تاریخ آمریکا، در تاریخ امریالیسم چنین چیزی دیده نشده است. پس وقتی ما این ماهیت را می‌شناسیم باید خودمان را برای نبرد دائمی با آمریکا آماده کنیم. اما امثال "میزان" و دیگران در این زمینه عقیده دیگری دارند. آن‌ها می‌گویند ما باید با آمریکا مناسبات داشته باشیم، حال اگر در شرایط کنونی به علت مخالفت شدید مردم، نمی‌توانیم چنین مناسباتی داشته باشیم، اقل با آلمان غربی، فرانسه، ژاپن، انگلستان، حتما باید مناسبات داشته باشیم، زیرا اگر گروه

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

پیش بسوی توزیع عادلانه امکانات آموزشی برای همه

برای مشارکت دادن مردم در آموزش و پرورش طرح وسیعی در دست مطالعه است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، طرح دیوان محاسبات و سؤال یکی از نمایندگان از وزارت آموزش و پرورش مطرح شد. اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، دکتر سجادی نماینده کرج بود، که در مورد مشکلات حوزه انتخابیه خود، سپاه پاسداران و جهاد سازندگی سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: «مبادا کسی در این نهاد (سپاه پاسداران) پیدا شود که لغزشی در آن بچیند. آوردن ضد انقلاب می‌خواهد این نهاد را منکوب کند. وی در مورد جهاد سازندگی گفت: «این نهاد با این فعالیت‌های انقلابی باید مورد پشتیبانی قرار گیرد. دکتر سجادی در پایان در مورد حملات دشمنان انقلاب به روحانیت مبارز سخن گفت. ناطق بعدی جلسه دیروز، صاحب‌الزمانی، نماینده اسدآباد بود که در باره ولایت فقیه صحبت کرد.

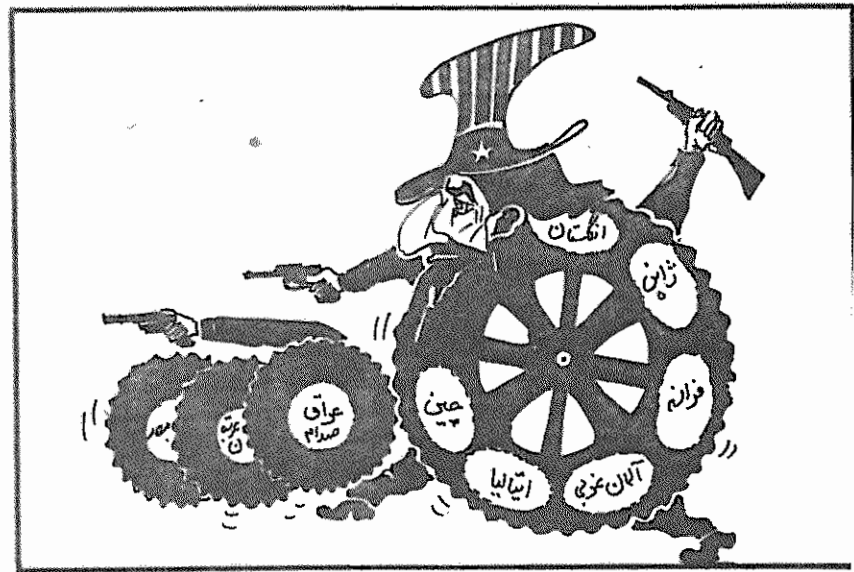
آنکاه مجلس- وارد دستور شد. در آغاز معاون پارلمانی وزارت بهداشتی لویج ایمن وزارتخانه را در ارتباط با وضع معادین به مجلس تقدیم کرد. با ورود اعضای شورای تکمیل به مجلس، بحث در مورد طرح دوفوریتی دیوان محاسبات شروع شد. دنباله بحث در این مورد به امروز موکول شد.

آنکاه سؤال دکتر یدالله سجادی از وزارت آموزش و پرورش مطرح شد. سؤال دکتر سجادی به این شرح بود: «۱- انگیزه دولتی کردن مدارس ملی چه بوده است؟ ۲- تعداد مدارس ملی در سطح مملکت و تهران، که مشمول این تغییر شده و می‌شوند، چندتا باشد؟ ۳- تعداد دانش‌آموزانی که در مدارس ملی تحصیل می‌کردند، چند نفر بوده است (سال ۵۸)؟ ۴- بودجه‌ای که تاکنون برای این تغییرات مصرف شده و خواهد شد، چقدر بوده و از کجا تأمین شده است؟ دکتر جوان باهتر وزیر آموزش و پرورش در مقام پاسخگویی اظهار داشت: «از سال گذشته این تصمیم در شورای انقلاب گرفته شد که مدارس ملی، دولتی شوند. چند انگیزه برای اینکار وجود داشت. یک انگیزه این بود که مدارس ملی با هدفی مختلف بوجود آمده بود. در تهران ۱۴۰ مدرسه ملی (بین‌المللی - انتفاعی - اقلیت‌ها - اسلامی و بگونه‌های دیگر) بودند. از آنجا که قرار شد ما آموزش و پرورش را با هدفی نظام جمهوری اسلامی تطبیق بدهیم، ما مدارس را که با هدفی گوناگون تشکیل شده بود و

آنکاه دکتر سجادی ضمن ناگانی خواندن جواب وزارت آموزش و پرورش، گزارشی را که در این مورد تهیه کرده بود، قرائت کرد. در این گزارش با اشاره به سابقه ملی‌شدن در دوره رژیم گذشته، تأکید شده بود که: «مسئولین آموزش و پرورش دنباله عمل طاغوتیان را گرفتند... و دستاویزی برای تبلیغ افکار افراطی بوجود آوردند...» در دنباله گزارش مذکور آمده بود: «...انحلال مدارس ملی با هیچ مصلحتی انطباق ندارد... اینکار آموزش در مدارس ما به وضعی خواهد افتاد که مارکسیسم‌طلب آن است.» (!) دنباله بحث در مورد مسئله آموزش و پرورش به جلسات بعدی مجلس موکول شد.

چنگ‌زدگان خوزستان خواهان رسیدگی به مشکلاتشان هستند

عده‌ای از مردم جنگ‌زده خوزستان طی نامه‌هایی به مقامات مسئول کشور و مطبوعات خواستار رسیدگی جدی به وضع اهالی جنگ‌زده خوزستان، که در شهرستان‌های مختلف پراکنده هستند، شدند. آنها در نامه‌های فوق‌الذکر همچنین خواستار بکارگماردن کارکنان دولت و موسسات



فرانسه و آمریکا، اروپای غربی و آمریکا، از هم جدا نیستند

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مساجحه با شبکه «سی.بی.اس» آمریکا در مورد مسئله جنگ تجاویزی رژیم صدام علیه ایران از جمله اظهار داشت: «فرانسه با اشاره آمریکا در محاصره اقتصادی علیه ما شرکت میکند و الان هم به عراق اسلحه میدهد.» رئیس مجلس خاطرنشان کرد: «فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است، به این دلیل که با جمهوری اسلامی ایران مخالفند، زیرا ما منافع آن‌ها در منطقه به خطر انداخته‌ایم.» (اطلاعات، ۱۵ آذر ماه ۵۹)

اظهارات حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تأکیدی بر این واقعیت است که همه دولتهای امپریالیستی، به‌سرگردگی امپریالیسم آمریکا، ماهیتی همگون و منافی مشترک دارند و به همین علت پسرخورد و مواضع آنان نسبت به جنبش‌ها و انقلابات خلقی، که بخاطر رهایی از زیر سلطه استعماری و نواستعماری و قطع هرگونه وابستگی سیاسی و اقتصادی و نظامی و کسب استقلال ملی انجام گیرد - منقطنظر از رقابتها و اختلافات داخلی آنها - در اساس یکسان است.

ما بارها به توضیح این مطلب پرداخته‌ایم که در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا بخاطر کسب استقلال کامل و قطع وابستگیهای کشورمان و عقیم‌گذاشتن توطئه‌های آن در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی، نیتیمان به حمایت و پشتیبانی دول امپریالیستی اروپای غربی و یا ژاپن متکی بود.

تجارب همه خلقهاییکه در مبارزه بر ضد امپریالیسم و بخاطر کسب استقلال ملی پیروز شده‌اند و نیز تجربیات زنده سراسر دوران پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم کشورمان، موبد این واقعیتند، پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن به تمییت از سیاست امپریالیسم آمریکا در تمام توطئه‌ها و اقدامات فشار و تخریب‌علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده‌اند. کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در محاصره اقتصادی آمریکا علیه ایران شرکت جستند و توطئه‌های دولت آمریکا، از جمله تجاویز نظامی نافرجام آمریکا به سپاه آزادی «گروگانها» را، که در واقع هدفش براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بود، تأیید کردند. فرانسه و انگلستان و آلمان غربی به پیشنهاد دولت آمریکا واحدهائی از دریائی‌خود را زیر عنوان «حفاظت آبراه محمولات نفتی» به منطقه خلیج فارس اعزام کردند و در مانورهای مشترک نیروی دریائی آمریکا، که هدفش قدرت‌نمایی و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران بود، شرکت جستند.

پس از تجاویز نظامی رژیم جنایتکار صدام حسین به خاک‌جمهوری اسلامی ایران، که به تحریک و طبع‌طرح‌های توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، دولت فرانسه بزرگترین قرارداد کمک نظامی با عربستان سعودی را به مبلغ ۵۰۰ میلیارد دلار به مرحله اجرا درآورد و چنانکه میدانیم، عربستان سعودی نخستین کشور عربی بود که از تجاویز رژیم صدام به ایران پشتیبانی کرد و آمادگی خود را برای کمک به دلارمستنه صدام حسین اعلام نمود. علاوه بر این، دولت فرانسه تقاضای دولت پستی عراق را در مورد تسریع در انجام سفارش اسلحه و تجهیزات نظامی پذیرفت که از آنجمله فروش شصت فروند هواپیمای جنگی از نوع میراژ به عراق است.

دادن امکانات وسیع فعالیت آزاد به گروه‌ها و عناصر ضدانقلاب در کشورهای اروپای غربی و بویژه فعالیت‌های گسترده شاپور بختیار و نژیبه و امینی و ژنرال‌های جنایتکار فراری از قییل اویسی، آریانا، فریدون جم در پایتخت فرانسه و تبلیغات رسانه‌های گروهی و مطبوعات وابسته به محافل امپریالیستی در این کشورها علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همه نشانگر آنست که فرانسه و دیگر دول امپریالیستی اروپای غربی نیز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نمیتوانند تحمل کنند و برخورد و روش خصمانه با آن نداشته باشند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بدرستی روی این مطلب تأکید میکنند که:

«فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است به این دلیل که با جمهوری اسلامی مخالفند، زیرا ما منافع آن‌ها در منطقه به خطر انداخته‌ایم.»

ولی برغم این واقعیت، هنوز هستند کسانی که میکوشند حساب دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن را از حساب امپریالیسم آمریکا جدا کنند. درحالیکه این‌راه، صرفنظر از نیتات مقاصد اژانه‌دهندگان آن، همان راهبستی که ناگزیر به وابستگی مجدد کشور به دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن و سرانجام امپریالیسم آمریکا منجر خواهد شد.

این هفته در نامه مردم، بزبان کردی میخوانید:

- گرامی‌باد خاطره ۱۶ آذر.
- پیروزیاد قدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان!
- درود بر زنان و دختران مبارز ایران!
- چگونه می‌توان و باید متحد شد.
- روحانیت مبارز بهره‌ری امام خمینی را تضعیف نکنید.
- حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: کشورهای عضو جبهه‌پایداری، آماده هر نوع همکاری استراتژیکی و تاکیکی با ما هستند.
- نه، این قانله‌را سر بازایستادن نیست!
- رفیق‌ها! درآورده‌ای در جبهه‌های

نامه مردم، بزبان کردی هر هفته سینه شنبه‌ها منتشر می‌شود

روزنامه نگار برجسته فلسطینی در مجموعه مقالات شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی خاورمیانه، درباره انقلاب افغانستان نوشت:

انقلاب افغانستان حلقه‌ای از زنجیره پیروزی جنبشهای آزادیبخش ملی است

این مجموعه در بیروت منتشر شده است.

بنگاه انتشاراتی «اسپاراکوس» بیروت، مجموعه مقالات شخصیت‌های برجسته سیاسی و اجتماعی خاورمیانه را درباره انقلاب افغانستان چاپ و منتشر کرده است. در این کتب، توطئه‌های امپریالیسم صیونیسم و ارتجاع عرب علیه افغانستان و فعالیت‌های خرابکارانه آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی و دست‌نشاندهگان آنها در این کشور افشاء می‌شود. هسته اصلی مقالات را این اندیشه تشکیل می‌دهد که: مسئله افغانستان توسط امپریالیستها دامن‌زده شده است. بسام ابوشریف، عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، در مقاله خود تأکید می‌کند که:

«بعد از سرنگون شدن رژیم شاه مخلوع، امپریالیسم آمریکا برای حفظ «منافع» خود در خاورمیانه، که مهم‌ترین منبع نفت غرب است، به دست‌وپا افتاد و حضور نظامی خود را در خاورمیانه بوسیله نیروی واکنش سریع افزایش داد. آمریکا درصدد ایجاد پایگاه در عمان، سومالی، کنیا و دیگر نقاط برآمد. علم کردن «تهدیدشوری» برای آماده‌کردن افکار عمومی آمریکا در جهت اتخاذ همین سیاست و در نتیجه افزایش بودجه نظامی کشور است.»

سمیرگوشا، دبیرکل جبهه فلسطینی «مبارزه خلق» در مقاله خود می‌نویسد: «اقدامات تجاویز کارانه نیروهای امپریالیسم، صیونیسم و ارتجاع برهبری آمریکا، نه تنها امنیت و صلح منطقه را تهدید کرده، بلکه تشنج جهانی را افزایش می‌دهد و به جنگ ویرانگر جهانی منجر می‌شود.»

جبهه دمکراتیک ملی (بین شمالی) نوشته است: «محافل غربی تلاش دارند که اقدامات امپریالیسم را از طریق این دستاویز توجیه کنند که گویا هدف از این اقدامات، دفع از خاورمیانه در برابر «تهدید کمونیسم» است. اما بوج بودن این تبلیغات گمراه‌کننده بر کسی پوشیده نیست، زیرا جهان هرگز شاهد آن نبوده است که جامعه سوسیالیستی، و در پیشانی آن اتحاد شوروی، به‌شکلی از اشکال به تحت سلطه قرار دهن خلقها و استثمار‌زوت‌های ملی خلقها دست زده باشند. اما جهان بخوبی شاهد غارت و چاول ثروت خلقها بوسیله قدرتهای غربی است.»

فیض، شخصیت برجسته پاکستانی نیز در مقاله خود تبلیغات غرب را درباره افسانه «تهدید اسلام و کشورهای خاورمیانه»، که گویا از باسطلاح مسئله افغانستان ناشی می‌شود، سراپا بی‌اساس و مشتمل‌کننده خواند و نوشت:

«آیا این آمریکا نیست که شمشیر صیولیستی را در قلب دنیای اسلام فرو کرده و به متجاوزان اسرائیلی در سرکوب خلقهای عرب کمک می‌کند؟ این شخصیت برجسته پاکستانی می‌افزاید: «البته کشورهای اسلامی تهدید می‌شوند، ولی نه از سوی افغانستان و با از سوی اتحاد شوروی، بلکه از سوی امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا، که خاورمیانه را منطقه «منافع حیاتی» خود میدانند و حق مداخله بخود می‌دهد. هابو درباره افغانستان نیز تنها برای سرویس‌گذاشته به این مقاصد است، زیرا هدف آمریکا و متحدان آن سلطه کامل بر ثروت‌های کشورهای اسلامی است.»

در تعدادی از مقالات دیگر این کتاب ارزنده، به اهمیت پیروزی انقلاب افغانستان برای مبارزه موفقیت‌آمیز جنبش آزادیبخش ملی در سطح جهان اشاره شده است.

ازجمله جیبیل هلال روزنامه‌نگار برجسته فلسطینی نوشته است: «انقلاب ثور افغانستان حلقه‌ای از زنجیره پیروزی جنبش‌های آزادیبخش ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. این پیروزی، اردوگاه امپریالیسم را تضعیف کرده و در همان حال مبارزه‌چینشهای انقلابی جهانی را تقویت کرده و آت‌را به سطح بالاتری ارتقاء داده است.»

انست، باید سرانجام انقلاب را در زندگی خود احساس کند، باید هر قدم و هر قلم‌مستولان را گامی در راه کشورن کرهی در زندگی‌شان ببینند.

اقدامات و برنامه‌های انقلابی مسئولان میتوانند توده‌هتی را که در اعماق فقر و بیسوادی و محرومیت، زندگی بساخته‌اند، دستگیر شود و آنان را بسند یک زندگی انسانی بنشانند. به خیل بیکارانی که هم امروز بر سر چهار راه‌ها و کنار خیابانها، در انتظار یک کارفرما هستند، شغل مناسب عرضه کند، به مردم بیسواد سواد و تخصص بیاموزد، فرهنگ و بهداشت را در اختیار مردم و اقدامات و شیوه زندگی و برخورد خود در جلب اعتماد مردم بگوشد، و این اعتماد دست‌یافتنی است، اگر مسئولان مردمانی دلسوز و مجرب و پرتلاش و انقلابی باشند.

برخورد دستگاه اداری طاغوت با توده‌های مردم، برخورداریب- رعیتی بود، که از سرشت آن رژیم نامردمی برمیخاست. دستگاه اداری انقلاب باید بتواند پوخته عادت را بشکند، شیوه‌های بوروکراتیک کار را به دورافکند و از وزیر تا کارمندخود را خادم مردم بداندند و نه ارباب و آقای آنان. سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده‌ها، هرچه زودتر و هرچه فوری‌تر ضروری است، که جز با برنامه‌ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده‌های میلیونی محروم، که زمین فرس‌شان و آسمان لسان‌شان



در آستانه تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا:

آموزش کمونیستها  
وزحمتکشان در کوبا

« ما تنها هنگامی میتوانیم به هدفهای وای خوش دست یابیم، که فزاینده به آموزش سیاسی - ایدئولوژیک زحمتکشان پیرامون و آنها را به شرکت هشیارانه در این کارزار جلب کنیم. این رهنمود «برنامه» مصوب در نخستین کنگره حزب کمونیست کوبا در پنج سال گذشته با مشکل بس متنوع، در گستره آموزش و پرورش کمونیستی بازتاب یافته است. حزب کمونیست کوبا، روشنگری ایدئولوژیک - تبلیغاتی اعضا و هواداران و آموزش و تکمیل آموزش آنها را همواره یکی از مهم ترین وظایف خود تلقی کرده است. از اینرو چهارصد هزار کمونیست نخستین کشور سوسیالیستی قاره آمریکا، که برای ساختمان جامعه سوسیالیسم، در صف نخست جبهه میزنند، این شمار را برگزیده اند که: «آنجایی را که به آن می پردازد، هشیارانه دریاب!»

برای پیشبرد این شمار، حزب کمونیست کوبا، از جمله، به ایجاد شبکه ای از مدارس حزبی دست زده است، که ساختار و برنامه شان بر پایه تجربیات غنی احزاب برادر دیگر کشورهای سوسیالیستی استوار است.

«مدرسه ملی حزب»، بنام «نیکولویز» که مقر آن در هاوانا است، در شش استان دیگر نیز شعبه دارد. «مدرسه نیکولویز» مهم ترین کانون آموزش کادرهای حزب کمونیست کوبا، بشمار میرود. در این مدرسه، مسئولان بلند پایه حزب و دولت در مرکز و در استانها، در یک دوره سه ساله به آموزش آثار مارکس، انگلس و لنین و ددوس فلسفه، اقتصاد سیاسی، تاریخ جنبش بین المللی کارگری و غیره می پردازند. برای کادرهای کشته های حزبی در شهرها، روستاها، کارخانه ها و موسسات، دوره های ۱۸ ماهه ای برای آموزش فلسفه و اقتصاد مارکسیستی در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، دوره های دو ساله ای برای استادان موسسات آموزشی حزب کمونیست کوبا و سازمانهای توده ای و دوره های یکساله برای معلمان، پروریاگان دبستانها و روزنامه نگاران وجود دارد. رفقای کوبایی همچنین تجربه بسیار پر بار از دوره های فشرده شش ماهه ای دارند، که مدیران کارخانه ها، روسای ادارات و دیگر مسئولان حزبی و دولتی در آنها به آموزش آثار کلاسیک های

مارکسیسم-لنینیسم می پردازند. در همه دوره ها، استادان کشورهای سوسیالیستی تجربیات کشور-های خود را در زمینه تدریس در مدارس حزبی در اختیار رفقای کوبایی می گذارند.

پدیده ای است که در کوبا نیز، مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی، تکمیل آموزش تنها وظیفه کادرهای بلند پایه حزبی نیست. آئین نامه حزب همه اعضا و کاندیداهای حزبی را فرامی خواند که بپوسته به مطالعات خود ادامه دهند. اعضا و کاندیداهای حزب کمونیست کوبا وظیفه دارند که هر ساله در مسابقات کولوس د استودیو، (مخفل مطالعه) شرکت کنند. سرپرستان این مخفلها، در سمینارهای ویژه ای، در مدرسه های حزبی خود را برای ابقای این وظیفه پرمسئولیت آماده میکنند. در «مخفل-های مطالعه» هم، مانند مدارس حزبی، مواد اصلی درسی را آثار کلاسیک های کمونیسم علمی تشکیل میدهد. بویژه در آستانه برگزاری دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، مسائلی مانند قدرت حکومت، رهبری مسابقه های تولیدی، برنامه لینی جنبش تعاونی و دیگر احکام بنیادی در «مخفل های مطالعه» تدریس میشود و مورد بحث قرار میگیرد و کاربست آنها در محل کار اکتیفات ارزنده ای را از سوی اعضا و هواداران حزب برای تدارک هر چه بیشتر کنگره دوم بی می انگیزد. همچنین مصوبات حزب و دولت، اسناد رهبری و برنامه ریزی اقتصادی، مسائل سیاست بین المللی، چگونگی مقابله با تبلیغات زهر آلود دشمن، از دیگر موضوع های است که در «مخفل های مطالعه» به آنها پرداخته میشود.

حزب کمونیست کوبا، با توجه به رویارویی جهانی با امپریالیسم آمریکا، که همواره در راه مداخله در امور داخلی کوبا میکوشد، در روشنگری های توده ای - سیاسی خود برای تبلیغات بینظانانه و مستدل اهمیت خاص قائل است. جلسات حزبی در کارخانه ها و دیگر موسسات اغلب به مجلس بحث پر شور و سازنده پیرامون مسائل روز تبدیل میگردد. زحمتکشان انتظار دارند که به پرسش های آنها پاسخهای قانع کننده و مستدل داده شود. دوره های گوناگون مدارس حزبی وظیفه دارند که مسئولان را بر سایر ابقای جنبش نقش پرمسئولیتی آماده سازند.

لئونید برژنف:

سیاست اتحاد شوروی، دفاع از صلح و همکاری صلح آمیز با دیگر خلقهاست

مذاکرات لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی با ایندیرو گاندی نخست وزیر و دیگر رهبران هند با موفقیت در دهلی نو جریان دارد. لئونید برژنف در جریان نشیانی که در دهلی نو برپا شده بود، در سخنانی از جمله گفت:

«اتحاد شوروی اهمیت اساسی برای دوستی با هند قائل است، هند از محبت خاص ملت شوروی و رهبری آن برخوردار است و اتحاد شوروی دوست قابل اعتماد هند است.»

رهبر شوروی، ضمن ستایش از رهبری و شخصیت ایندیرو گاندی نخست وزیر هند و جواهر لعل نهرو، دوستی اتحاد شوروی و هند را نمونه دوستی جنبش غیرمتحد و اردوگاه سوسیالیستی خواند و گفت:

«این جنبه مشترک در مقابل نیروهای تجاوزکار امپریالیستی قرار گرفته و مانع فعالیت های این نیروها علیه آزادی و استقلال خلقها میشود. و این بویژه در دوران کنونی که محیط بین المللی وخیمتر شده است، اهمیت ویژه ای دارد.»

«سیاستمداران بانفوذی در غرب تصمیم گرفته اند به مسابقه تسلیحاتی دامن می زنند و بجای حفظ برابری، برتری نظامی بدست آورند و بجای گفت و شنود، میان طرفهای برابر و همکاری متعادل سودمند، سیاست امر و نهی و شانتاژ را پیش گرفته اند و موفق شده اند در سالهای اخیر اوضاع جهانی را بیش از پیش به وخامت بکشانند.»



«مبارزان»، افغانی آب آشامیدنی مدارس را مسموم می کنند

خبرگزاری باختر افغانستان قلمنامه اراجیف خبرگزاری های غربی را در این مورد که گویا در سه گذشته سربازان اتحاد شوروی در مدارس علیه دانش آموزان از گاز سمی استفاده کرده اند، دروغی بشماره خواند. خبرگزاری باختر اعلام کرد که در سه گذشته گروه های تروریستی، که در پاکستان پناه گرفته اند، تلاش کردند که جریان عادی آموزشی را در مدارس کابل برهم بزنند و برای رسیدن باین مقصود، منابع آب چند مدرسه را مسموم کردند و عده زیادی از دانش آموزان بر اثر این اقدام جنایتکارانه مسموم شدند. جانیانی که دست پایتکار زده بودند، بازداشت شده و در دادگاه ملتی به جنایات خود اعتراف کرده اند و این مدارک در همان تاریخ برای اطلاع همه منتشر شد.

خبرگزاری باختر اضافه کرد که اراجیف پخش شده بوسیله خبرگزاری یونایتد پرس، بر اثر زوزه و فریاد ناشی از ناراحتی ارتجاع جهانی و همدستان آن است، که شاهد اطمینان روزافزون خلق افغانستان به حکومتشان هستند.

خبرگزاری باختر همچنین یاد آور شد که مردم افغانستان بخوبی از نقش نیروهای محدود اتحاد شوروی در نجات کشور آگاهند و این نیروها بیبوجوب در رویدادهایی که رسانه های غربی ساخته و پرداخته اند، شرکت ندارند.

ادامه توطئه های آمریکا علیه انقلاب ایران: آمریکا ارسال اسلحه به مصر و اردن را انزایش می دهد

در بجهت تجاوز داردمسته صدام حسین به ایران امپریالیسم آمریکا مزدوران خود را در منطقه تقویت می کند. پس از آنکه وزارت دفاع آمریکا رسماً اعلام کرد که ارسال سار و برگ نظامی به اردن افزایش و سرعت یافته است، روزنامه های قاهره نیز خبر دادند که آمریکا قول داده است در ارسال سلاحهای وعده داده شده به مصر نیز سرعت بخرج دهد. بنوشته روزنامه های قاهره قرار است که آمریکا تعدادی از تانکهای مدرن ام-۶۰ به مصر را قبل از موعد مقرر تحویل دهد. همچنین قرار است که ارسال هواپیماهای اف-۱۶ به مصر نیز تسریع شود.

توطئه سیا برای کودتا در کاستاریکا

گزارشهایی که از کاستاریکا به مکزیکو میرسد، حاکی از آنست که اوضاع این کشور در روزهای اخیر، بر اثر تشدید فعالیت نیروهای ارتجاعی کشور، بشدت وخیم شده است. در مکزیکو عقیده بر این است که ارتجاع در کاستاریکا اوضاع را بطرف یک کودتای ارتجاعی دست راستی پیش می برد. اولیکارشی محلی سازمانهای تروریستی و افراد فراری رژیم سوموزا را، که از نیکاراکوه فرار کرده اند، بعنوان ابزار اصلی خود مورد استفاده قرار میدهد.

بموجب بیانیه حزب پشاهانک خلق کاستاریکا، حدود سیصد تن از افراد گارد ملی فراری سوموزا، دیکتاتور معدوم نیکاراکوه، در کاستاریکا جمع شده اند و اخیراً برادر سوموزا، با نام مستعار، وارد این کشور شده است. توطئه کنندگان قصد دارند که دولت قانونی کشور را سرنگون کنند، پارلمان را منحل سازند، قانون اساسی را ملغی گذارند و در کشور دیکتاتوری برقرار کنند. گزارشها حاکی از آنستکه توطئه کنندگان بسا سازمان جاسوسی «سیا»، ارتباط نزدیک دارند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

کاخ بیرو را زین کدم خانم حزب لاسیم راهو

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما چهلین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما میزنندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپهبد قره نی شمالی بپردازید. توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

Table with 2 columns: Amount (ریال) and Name (نام). Rows include: ۵۰۰۰ ریال خانم کوبک، ۱۰۰۰۰ ریال خانم از نوشهر، ۱۱۰۰ ریال یکی از هواداران حزب از جالوس، ۱۰۳۶۵۰ ریال مهدی الف نیروند، ۳۰۰۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در شیراز، ۵۰۰۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در بروجن، ۳۰۰۰۰ ریال هواداران حزب در خواجه نسی (بندر ترکمن)، ۵۰۰۰ ریال یکی از هواداران در بندر گز، ۱۲۰۰۰ ریال سازمان حزب در کرمانشاه، ۱۰۰۰۰۰۰ ریال پرویز آقایی، ۲۰۰۰۰ ریال در میهمانی بیوند بابا و زیبا، گردآوری شده توسط مژده کوچولو، ۴۴۰۰ ریال قاسم ق، ۲۰۰۰۰ ریال معدنچیان سمیرم، ۲۰۰۰۰ ریال کیوان

تصحیح

در مقاله «لیبرالیسم، دیروز و امروز»، مندرج در شماره ۲۹۰ و رهبری جنبش بورژوازی بود. نامه «مردم»، صفحه ۵، ستون ۴، در سطر ۴۳، یک جمله افتاده است. ضمناً تولید توین لیبرالیسم، غلط سطر ۴۳ به ترتیب زیر است: «...فرانکو، توده های خلق و «تولد نوین» درست است.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM

No. 391 10 December 1980

Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

برژنف افزود: «سؤال اصلی اینست که: اوضاع چه مسیری را طی می کند؟ اگر این مشی منفی، و یا صریحتر گفته شود، این مشی خطرناک ادامه یابد، صلح شکنندگی به خطر می افتد، ولی اگر عقل سلیم حکمفرما شود، یک سیاست سازنده، که با آمل و آرزوهای همه خلقها و کشورها در یک جهت خواهد بود، راه فردا را باز خواهد کرد.»

برژنف گفت: «اما در مورد اتحاد شوروی، باید بگوئیم که سیاست ما اصولی است و ما همواره آماده ایم درباره هر مسئله با روح واقع گرایی و بحساب آوردن منافع و حقوق حقه دیگران مذاکره کنیم.»

رهبر اتحاد شوروی تأکید کرد که: «کشور داری یعنی دور سر گرداندن شمشیر و تلاش برای تحمیل اراده به دیگر ملتها نیست. چنین سیاستی در گذشته بارها بکار گرفته شده و نتیجه آن نیز بخصوبی روشن است. همچنین کشور داری بمنزله تلاش برای کسب امتیازات یکجانبه به زیان خلقهای دیگر نیست. سیاست اتحاد شوروی، دفاع از صلح و همکاری صلح آمیز با دیگر خلقهاست، بدون آنکه به تحریکات و شانتاژ تسلیم شویم.»

هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی نتایج کنفرانس رهبران حزبی و دولتی کشورهای عضو پیمان ورشو را تأیید کرد

هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی، نتایج کنفرانس رهبران حزبی و دولتی کشورهای عضو پیمان ورشو در مسکو را بررسی و مورد تأیید قرار داد. هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی کاملاً با برآورد اوضاع بین المللی، که در اجلاس مسکو بعمل آمده، هم عقیده است. هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی ابراز اعتماد کرد که حزب کارگری متحد لهستان، طبقه کارگر و مردم این کشور، بر بحران اقتصادی و سیاسی پیچیده کشور برفع تحکیم سوسیالیسم پیروز خواهند شد و جمهوری توده ای لهستان حلقه تیرومند جامعه سوسیالیستی خواهد بود، و در این شرایط، لهستان سوسیالیستی می تواند روی همبستگی و حمایت چکسلواکی حساب کند.

رئیس جمهوری سوریه:

پیمان همکاری سوریه و اتحاد شوروی در جهت منافع همه اعراب است

حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، در مساجه با روزنامه کویتی «الرای العام»، ضمن حمایت قاطع از انقلاب ایران، از جمله گفت: «معاهده دوستی و همکاری سوریه با اتحاد شوروی در جهت منافع همه اعراب است.»

رئیس جمهوری سوریه تأکید کرد:

«تحولات در خاورمیانه در مسیر خطرناکی پیش میروند و امپریالیسم آمریکا، پایگاههای نظامی خود را در منطقه افزایش میدهد. در همین حال سوسیالیسم نیز بر تجاوزات خود علیه اعراب افزوده است.»

حافظ اسد تأکید کرد: «رژیم خان سادات جبهه اعراب را ترک کرده است و در ارتقو این تحولات است که معاهده دوستی و همکاری سوریه با اتحاد شوروی از اهمیت بسیار اساسی برخوردار است.»

دبیر کل حزب کمونیست هند:

اتحاد سه جانبه آمریکا - پاکستان - چین تمهیداتی علیه منافع هند است

راثو، دبیر کل کنگره ملی حزب کمونیست هند، اتحاد سه جانبه امپریالیسم آمریکا، رژیم دست نشانده ضیاعالحق در پاکستان و برتری طلبان پکن را تجدیدی علیه منافع هند خواند. راثو افزود: «رژیم پاکستان نیروهای خود را در مرز هند افزایش داده و خرابکار بدخل خاک هندوستان می فرستد. چین نیز در ایاتهای شمال شرقی هند، عوامل تجزیه طلب را آموزش و سلاح در اختیار آنها قرار می دهد.»

به توصیه سازمان سیا:

رادیهوهای «اروپای آزاد» و «آزادی» علیه افغانستان انقلابی نیز بر نامه پخش خواهند کرد

توطئه ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه افغانستان همچنان ادامه دارد. به گزارش روزنامه آمریکایی واشنگتن استاره قرار است ایستگاههای رادیویی باصلاح «اروپای آزاد» و «آزادی» برنامه های به زبان پشتو پخش کنند. در مورد این ایستگاههای رادیویی، حتی خود زمامداران آمریکایی اعتراف کرده اند که بوسیله سازمان جاسوسی سیا اداره می شوند.

پراودا، سخنان نخست وزیر سابق هند را «کذب محض» خواند

روزنامه پراودا ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، سخنانی را که چند روزنامه هندی از قول موراجرندسای، نخست وزیر سابق هند، منتشر کرده اند و طی آن ادعا شده بود که گویا اتحاد شوروی در زمان نخست وزیر وی پیشنهاد حمله به پاکستان و «درس» دادن به این کشور را کرده بود، «کذب محض» خواند. پراودا نوشت:

«هدف این سخنان تأمین منافع محافل معنی در هند است که با دوستی هند و اتحاد شوروی مخالف هستند. لازم به تذکر است که در این مورد، وزیر خارجه هند نیز سخنان سهای را دروغی و بیحاشیه خواند و نمایندگان کمونیست در پارلمان هند نیز این سخنان را شدیداً محکوم کردند. همچنین نمایندگان عضو حزب خانم گاندی نیز «فترت» خود را از این سخنان ابراز کردند.»